

مرزده آن زندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

پاسخ به پرسشهای ایرانیان
ابوالحسن بنی صدر

تروریسم و رابطه آن با مردم سالاری؟

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۶۱ از ۳-۱۶ آبان ۱۳۸۹

«شَرَّانِه»؟!

پرسش اول در باره تروریسم چیست؟
به یاد می آورم که، از ۳ پرسش آقای احمدی، پاسخ پرسش اول را به بعد از پاسخ دادن به دو پرسش دوم و سوم موقوف کردم. آن پرسش را باز می آورم و به بدان پاسخ می دهم. سوال این بود:
« به خاطر می آورم شما در کتابی به نام تعمیم امامت و مبارزه با سانسور، به این قول از پیامبر استناد جستید که: "هرگاه تمام راه های امر به معروف و نهی از منکر مسدود شوند، شمشیرها را از غلاف بیرون آورید" و بعد شما اضافه کردید که "هرگاه در جامعه ای سانسور کامل شود، مبارزه مسلحانه واجب می شود". اکنون با توجه به این دیدگاه، می خواستم بدانم که دیدگاه شما با مبارزاتی که اکنون به عنوان مبارزه با تروریسم موسوم است چیست و مناسبت این مبارزات و مناسبت تروریسم با دموکراسی و حقوق بشر را چگونه ارزیابی می کنید؟»

***پاسخ به پرسش در باره تروریسم:**

۱- در سال ۲۰۰۴، «گروه شخصیت‌های ارشد - که دبیر کل سازمان ملل متحد (کوفی عنان)» با آن موافق بود- تروریسم را این سان تعریف کردند:
«هر عملی {...} که هدف از انجام آن کشتن و یا زخمی کردن افراد غیر نظامی و یا کسانی باشد که در نزاع شرکت ندارند، وقتی هدف از چنین عملی، بنا بر طبیعت آن و یا موقعیتی که در آن انجام می گیرد، ترساندن مردم و ناگزیر کردن آنها به تمکین و یا مجبور کردن دولت و یا یک سازمان بین المللی به گرفتن تصمیمی و یا خودداری از گرفتن تصمیمی باشد، ترور و مصداق تروریسم است.»

در صفحه ۲

◀ جبران فقدان مشروعیت با ادعای مرجعیت! - تخاصم در رأس هرم

و کمبود قوای سرکوب؟! ص ۱

◀ شکست یا پیروزی در انتظار رژیم است و یا جنبش مردم ایران؟ ص ۵

◀ وسط بازی که با پوشاندن افتضاحهای اکتبر سورپرایز و ایران گیت و عراق گیت،

زیانهای بزرگ به امریکا و ایران و عراق وارد کرد: ص ۷

◀ کسر بازرگانی خارجی، افزایش بیکاری، بی ثباتی نرخ ارز، تهدید صنایع

به تعطیل و گرانی می گویند: اقتصاد در سقوط آزاد است: ص ۹

◀ فهرست اسامی اعضای مافیایها که از رهگذر استبداد ملاتاریا،

از انقلاب بدین سو، تشکیل شده اند - ۱۴: ص ۱۱

◀ مادران و بستگان قربانیان نیز از تجاوزهای رژیم به حقوق انسان،

مصون نیستند: ص ۱۳

« ۲۶ خرداد، بمناسبت صد و هشتمین

سالگرد تولد دکتر محمد مصدق

زندگینامه دکتر محمد مصدق (۱۱)



جمال صفری

◀ ۱۹ آبان بمناسبت پنجاه و ششمین سالروز شهادت

دکتر حسین فاطمی، این مجموعه را که در باره نفت و

قرارداد داریسی است، با نام این شهید بزرگ نهضت ملی

ایران آغاز می کنم.

دکتر مصدق در نامه معروف خود درباره پیشنهاد ملی شدن نفت، چنین می نویسد:

«اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به وطن شده است، باید از کسی که اول آن پیشنهاد را نمود تشکر کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه جناب آقای نوبخت پیشنهاد خود را داد و عمده نمایندگان جبهه ملی حاضر در جلسه آن را به اتفاق آرا تصویب نمودند. رحمه الله علیه که در طول مدت همکاری با اینجانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد.» و همچنین ایشان در نامه ای به مرحوم آیه الله زنجانی تأکید نمودند: «تاریخ حتماً اسم او را زنده نگه خواهد داشت، چرا که او می تواند آموزش دهنده همه وطن دوستان باشد و من در مقابل تمام بی حرمتی ها و کج اندیشی هایی که دیگران نسبت به او داشتند، از طرف مردم از ایشان عذرخواهی می کنم.»

در صفحه ۱۴

انقلاب اسلامی: احمدی نژاد گفته است قانون «یارانه» ها از روز ۲۷ مهر ۱۳۸۹، به اجرا گذاشته می شود. از رژیم مافیایها که شر بزرگ هستند جز شر پدید نمی آید. حتی اگر دادن یارانه به افراد، هیچ پی آمدی از نوع تشدید تورم و تعطیل کارخانه ها و بیشتر کردن بیکاری و تشدید فشار تحریمها بر مردم ایران نداشت، این امر که دولت به ملت یارانه می دهد، «شرانه» بود. زیرا گویای این واقعیت است که تولید ملی کفاف هزینه ملی را نمی کند و می باید ثروت ملی را فروخت و بخشی از آن را بعنوان «یارانه» در جامعه توزیع کرد.

اما تنها یارانه نیست که در واقع «شرانه» است، رژیمی که مکانیسم حیاتیش تقسیم به دو و حذف یکی از دو است، ذاتا شر گستر است و کار تقسیم به دو و حذف یکی از دو را نخست به بدنه و سپس به رأس هرم قدرت، می کشاند و کشانده است. در فصل اول، خبرهایی را در این باره می خوانید بس گویا. گویای درون متلاشی رژیم و خصومت و نزاع در رأس رژیم. در فصل دوم، گزارش - تحلیلی را می خوانید که گزارش می کند جریان تجزیه و انشعاب را نزد حاکمان و جریان همگرایی را نزد مخالفان و اختلافهای فراوان که از رأس تا قاعده هرم، بروز کرده و چون موربانه پایه چوبین رژیم را می خورند. در فصل سوم، سه خبر را در یک فصل از نظر خوانندگان می گذرانیم: انفجاری که در خرم آباد روی داد و «ابر موشکی» که نیروگاه اتمی بوشهر را هدف قرار داد و مذاکره با کشورهای ۱+۵ که حالا دیگر رژیم ایران خواهان آن شده است. در فصل چهارم، داده و اطلاعات اقتصادی را می یابید که گزارش می کنند چسان اقتصاد کشور در حال سقوط آزاد است. در فصل پنجم، واپسین قسمت از فهرست اسامی اعضای مافیایهای نظامی - مالی را می یابید. مافیاهایی که زاده رژیم شر ولایت مطلقه فقیه هستند و کشور را گرفتار سرطانی از شرها کرده اند. و در فصل ششم، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان از نظر خوانندگان می گذرند:

جبران فقدان مشروعیت با ادعای مرجعیت! - تخاصم در رأس هرم و کمبود قوای سرکوب؟!

* خامنه ای در فکر آنست که نبود اعتبار را با «مرجع تقلید» ایران شدن بدست آورد. بدین خاطر محمد یزدی می گوید ما خمینی را مرجع کردیم و شیخ احمد جنتی، خامنه ای را «امام خامنه ای و سپهسالار امام زمان» می خواند:

◀ شیخ محمد یزدی مدعی شد که بعد از در گذشت آیت الله بروجردی، جامعه مدرسین قم، خمینی را بعنوان مرجع، معرفی و تبلیغ کرده است. کروی به او اعتراض کرده است که شما را چه اعتباری بود که مرجع بتراشید؟ خمینی بزرگ ترین درس خارج را داشت و در درس خارج او، بنا بر گزارش ساواک، ۵۰۰ تا ۶۰۰ تن شرکت می کردند و...

در صفحه ۴



موشکها را سریع بکار انداخت.

● این تأسیسات در ۱۲۰۰ کیلومتری شهرهای اسرائیل قرار دارند. بنا بر این، شهرهای اسرائیل در تیر رس شهاب ۳ هستند. برآورد اسرائیل اینست که ایران حدود ۱۰۰ موشک شهاب ۳ و ۴۰ پرتاب کننده موشک دارد. انفجار در پایگاه امام علی و چندین متر زیر زمین روی داده است. اما دواير اطلاعاتی روشن نمی کنند که چگونه انفجارها در ۳ محل مختلف روی داده اند؟.

● برای این که در تأسیسات صدمه غیر قابل ترمیم ایجاد کنند، نه هویت خرابکاران و اینکه به کدام گروه تعلق داشته اند و نه شیوه کار آنها اظهار نشده اند. تهران وقوع حادثه را تصدیق کرد اما تکذیب کرد که یک «حمله تروریستی» باشد. توجه ایرانیها این بود که یک آتش سوزی روی داده است. بدین خاطر که در نزدیکی پایگاه انبار مهمات بوده است. مشکل می توان باور کرد که کارشناسان امنیت نظامی پایگاه این خطر را مورد لحاظ قرار نداده و پیش از وقوع آتش سوزی خطر را رفع کرده باشند.

● حادثه ای که تکرار شد: دواير اطلاعات نظامی تصریح می کنند که خسارتها قابل ملاحظه به تأسیسات موشکی و موشکها وارد شده اند و سیاه پاسداران زخمی بمیزان خسارتی برداشته که تحمل کرده است.

● کارشناسان نظامی در کار تحقیق هستند برای این که بدانند «مهاجمان» چگونه توانسته اند در پایگاهی نفوذ کنند که از بیشترین مراقبت برخوردار بوده است؟ باز می خواهند بدانند چه

روشی بکار برده اند برای اینکه تا عمق پناهگاه بروند و در انبار موشکها انفجار ایجاد کنند. تشییع جنازه های قربانیان در ۱۴ اکتبر بعمل آمد اما شک جدی وجود دارد در باره شمار واقعی کشته ها. احتمال می رود شمار آنها بسیار بیشتر باشد.

● در ۱۵ اکتبر، آوپیشن ویک مقاله ای انتشار داد که بنا بر آن، مشابهت بسیاری وجود دارد میان موشک شهاب ۱۳ ایران و موشک بالستیک جدید BM-25 Musudan که در رژه نظامی ۱۰ اکتبر ۲۰۱۰، در برابر، جانشین کیم بانگ - ایل، بنا بر این، محتمل اینست که اقدامی خرابکارانه انجام گرفته باشد بقصد از میان بردن نمونه نوعی سری شهاب ۳ با سوخت مایع که صنایع نظامی کره شمالی بیرون داده اند.

● دواير امنیتی ایران از حادثه هائی که پی در پی روی می دهند و تأسیسات نظامی کشور را هدف گرفته اند، بسیار ناراحتند. اینست که تدابیر امنیتی شدید اتخاذ کرده و در نیروهای مسلح به اجرا گذاشته اند.

● نظری می رسد که «پوزسیون رژیم ایران» با کمکی که سرویسهای جاسوسی غرب به آنها می کنند، شبکه های خفته خود را در ایران بیدار کرده و بکار انداخته اند. این شبکه ها برخوردار از فنون بسیار پیشرفته، هر چه تهاجمی تر عمل می کنند. نفوذ دادن جاسوس ها و یا مخالفان رژیم که برنامه اتمی ایران را و مهمتر از آن، سیستم دفاعی کشور را مختل می کنند رژیم ایران را بس نگران می کنند. در عوض، غریبان با خاطری آسوده تر، حمله احتمالی خود را به تأسیسات اتمی ایران، طراحی و آماده اجرا می کنند. رفتار فعل پذیرانه تان یاهو در برابر تهدیدهای احمدی نژاد، در نزدیکی مرز اسرائیل را اطلاعاتی می تواند توضیح بدهند که او در اختیار داشته است. اینست که به تهدیدهای او در برابر اعضای حزب الله واقعی نهاده است.

حمله به سامانه های کامپیوتری ایران به «ابر ویروس»:

● در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۰، مجله علمی - فنی، به نام نیو تکنیک، در شمار ۴۱ خود، زیر عنوان "ابر ویروس با هدف ایران" انتشار داده است:

شرکت زمینی نرم افزار و سخت افزاری به نام سیمانتیک برای سیستمهای اتوماتیک دارد. این سیمانتیک بطور عمده برای کنترل پمپها، موتورهای برق و ... هستند که می باید یا از راه دور و یا همزمان با یک کنترل شوند. از آن، در نیروگاههای تولید برق و دیگر کارخانه هائی استفاده می شود که به این کنترل اتوماتیک نیاز دارند.

رئیس بخش امنیت این شرکت به نام Liam O'Murchu می گوید: نام ویروسی که این سیستم کنترل را از کار می اندازد، استوکس نت Stuxnet است. کار این ویروس این است که ابتدا چنین سیستم هائی را پیدا می کند. بعد شروع می کند به دادن فرمان غلط. این کار را تا وقتی سیستم اتوماتیک از پا در آید، ادامه می دهد. این ویروس اگر در کامپیوترهائی که این سیستم را ندارند پیدا بشود، زیانی به آنها نمی رساند و خود را حذف می کند.

● برای اینکه این ویروس بتواند وارد سیستمهای اتوماتیک بشود، نیاز به دو کد شناسائی دارد. این دو کد را از تایوان برده اند. کار این ویروس درست مثل یک موشک برنامه گذاری شده برای انفجار در منطقه ای و ویران کردن آنست. ویروس نیز برنامه گذاری شده است برای ویران کردن سیستمهای خود کار کنترل کننده.

این ویروس نه تنها سیستمهای اتوماتیک را از پا در می آورد بلکه قادر است که پمپها و موتورها و... را نیز خراب کند. این برای اولین بار است که سازندگان ویروس توانسته اند ویروسی را سازند که فقط سیستم خاصی را خراب می کند و به سیستمهای دیگر کاری ندارد.

شرکت سیمانتیک برای اولین بار در ماه ژوئن ۲۰۱۰ این ویروس را پیدا کرد. از آن موقع تا به حال کارشناسان سیمانتیک شب و روز روی این ویروس کار کرده اند تا اینکه بتوانند سر از کدهای آن در بیاورند. Liam O'Murchu می گوید: بعد از این کار شبانه روزی به این نتیجه رسیده ایم که بیش از ۶۰ درصد کامپیوترهائی ایران بوده اند. این امر به ما ثابت می کند که این ویروس برای از کار انداختن نیروگاه اتمی ایران ساخته شده است. البته سازندگان این ویروس می دانسته اند این ویروس به جاهای غیر از ایران نیز خواهد رفت. او می گوید: مشکل بتوان گفت چه کسی این ویروس را ساخته و چه کسانی سازنده را به این کار برانگیخته اند.

در همان حال که رژیم می پرسد: چرا کشورهای ۵+۱ مذاکره نمی کنند، برای خالی نبودن عریضه، چهار شرط معین می کند!

«شرانه»؟!:

● در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۰، منوچهر متکی وزیر خارجه ایران روز ۱۷ مهر گفته بود که "اواخر اکتبر و اوایل نوامبر" زمان مناسبی برای گفت و گو با نمایندگان ۵+۱ است و اینکه طرفین در حال رایزنی برای تعیین تاریخ دقیق، در سطح و محل این گفتگوها هستند.

● اما کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در واکنش، گفته است: تاریخ این گفتگوها هنوز روشن نشده است. سخنگوی خانم اشتون گفت "ما در موقعیتی نیستیم که تعیین شدن تاریخ (مذاکرات) را تایید کنیم".

● آمریکا نیز در واکنش گفت که تنها کاری که ایران باید بکند این است که تاریخ دقیقی را برای از سرگیری گفت و گو تعیین کند.

● و مهمانپرست، سخنگوی وزارت امور خارجه، در پاسخ به این سؤال که خانم اشتون گفته است در خصوص زمان مذاکرات چیزی به آنها اعلام نشده است گفت: "آقای متکی تاریخ مذاکرات را اعلام کرد... اگر خانم اشتون به مطالب اظهار شده آقای متکی مراجعه کند متوجه می شود که ما تاریخ را اعلام کرده ایم. اگر واقعا مایل به مذاکره هستند، باید تحرک بیشتری داشته باشند".

● او درباره مذاکرات ایران با ۵+۱ توضیح داده است: در این رابطه دو نکته وجود دارد؛ اول اینکه اصل مذاکره مورد توافق ماست و ما آمادگی خود را اعلام کرده ایم. اما به نظر می رسد که ۵+۱ آمادگی و جدیت برای مذاکره را ندارد.

● نکته دوم این که در رابطه با مذاکره ۲ موضوع تعریف شده یکی گفتگوهای ایران با گروه وین که در چارچوب مبادله سوخت پر مینای اعلامیه تهران خواهد بود و گفتگو با ۵+۱ نیز بر اساس آنچه که در نشست ژنو مطرح شد. موضوع آن بسته پیشنهادی ایران است. همانطور که مستحضرید یک بسته طرف مقابل ارائه داد و یک بسته نیز از سوی ایران ارائه شد. فکر می کنیم بسته ایران می تواند محور مذاکره باشد و یا حداقل مشترکات دو بسته مبنایی برای شروع مذاکرات قرار گیرد.

● در شروع کار پیشنهاد ما این است که برای تفاهم اولیه مشترکات بسته ها بررسی شود تا مذاکرات را تسریع دهد.

● در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۰ (۲۵ مهر ۸۹) احمدی نژاد، در اردیبل گفته است: ایران آماده گفتگو با کشورهای ۵+۱ است هرگاه پیش شرطی نکنند. در همان حال، او شرط کرده است که در این کشورها می باید موضع خود را در باره بمبهای اتمی رژیم صهیونیست اظهار کنند. اگر در این باره سکوت کنند بدین معنی است که در پی آن نیستند که قرارداد منع گسترش انرژی اتمی اجرا شود.

● او تکرار کرد که ایران از حقوق خود در برخورداری صلح آمیز از تکنولوژی اتمی دست بر نمی دارد. غرب چاره ای جز گفتگو با ایران ندارد. او خطاب به غرب گفته است: گفتگو با ایران بهترین گزینه برای شما است. آنها فکر می کنند با تحمیل مجازاتها و تهدیدها که می کنند، می توانند ملت ایران را تضعیف کنند. اما ایرانیان همبستگی و اتحاد و قدرت خود را به اثبات رساندند.

● در ۱۴ اکتبر، آشتون، وزیر خارجه اروپا، پیشنهاد کرده بود که گفتگوها در ماه نوامبر در وین انجام بگیرند.

● انقلاب اسلامی: بدین سان، تا این هنگام، غرب بود که اصرار بر مذاکره داشت و بر این بود که رژیم ایران طرفه می رود تا زمان بدست آورد. اینک نوبت به رژیم مافیاهای نظامی - مالی رسیده

است که بپرسد: چرا کشورهای ۵+۱ گفتگو نمی کنند. احمدی نژاد برای این که خود را از تک و تاب نبیندازد، خطاب به غرب می گوید: انتخابی جز گفتگو با ایران ندارید. اما غرب با اطمینان از تاثیر تحریمهای اقتصادی و با تصمیم بر افزودن بر آنها، نه دیگر از خطر عاجل مجهر شدن ایران به بمب اتمی سخن می گوید و نه شتابی به گفتگو با ایران نشان می دهد. نیک می داند که وضعیت اقتصادی ایران بسیار بد است:

کسر بازرگانی خارجی، افزایش بیکاری، بی ثباتی نرخ ارز، تهدید صنایع به تعطیل و گرانی می گویند: اقتصاد در سقوط آزاد است:

● کسری ۱۷ میلیارد دلاری تراز بازرگانی ایران در ۶ ماه اول سال جاری:

● در ۲۵ مهر ۸۹، به گزارش جهان صنعت، تراز بازرگانی خارجی ایران بدون احتساب صادرات نفت و میعانات گازی در شش ماهه نخست امسال با کسری ۱۷ میلیارد و ۳۰۸ میلیون دلاری روبرو شده است. این کسری در مقایسه با مدت مشابه در سال گذشته، بیش از سه میلیارد دلار افزایش داشته است:

● این تراز بازرگانی نیمه نخست امسال ایران حاصل اختلاف ۲۹ میلیارد و ۵۶۹ میلیون دلاری واردات با ۱۲ میلیارد و ۲۳۱ میلیون دلاری صادرات غیرنفتی بدون احتساب میعانات گازی و تجارت چمدانی ایران بوده است.

● میزان کسری تجاری ایران در سال گذشته بیش از ۳۳ میلیارد و ۶۶۵ میلیون دلار بوده که با حفظ روند تجارت نیمه نخست امسال می توان پیش بینی کرد که کسری ۱۷ میلیارد دلاری شش ماهه نخست امسال در پایان سال ۳۴ میلیارد دلار یعنی بیشتر از سال گذشته شود.

● در نیمه نخست سال گذشته نیز کسری تراز بازرگانی خارجی ایران از نیمه نخست امسال کمتر بود. در شش ماهه سال گذشته میزان واردات ایران ۲۳ میلیارد و ۶۶۸ میلیون دلار و صادرات غیرنفتی ایران بدون احتساب میعانات گازی هشت میلیارد و ۹۷۸ میلیون دلار بود که حاصل اختلاف آنها نشان می دهد میزان کسری تراز بازرگانی ایران طی این مدت حدود ۱۴ میلیارد دلار بوده که در نیمه نخست امسال این میزان کسری به ۱۷ میلیارد دلار افزایش یافته است.

● در سال ۱۳۸۷ میزان کسری تراز بازرگانی بیش از ۳۷ میلیارد دلار و در سال ۱۳۸۶ نیز بیش از ۳۳ میلیارد دلار بود.

● تحریم ها هزینه واردات را ۱۵ تا ۳۰ درصد افزایش داده است:

● در ۲۳ مهر ۸۹، محمد نهاوندیان، رئیس اتاق بازرگانی ایران، گفته است: تحریم ها باعث شده هزینه واردات کالا به ایران ۱۵ تا ۳۰ درصد افزایش یابد. او افزود: بازارهای ایران راههای متنوعی برای تامین نیازهای خود پیدا کرده اند. بنادر کشور ترکیه را یکی از این راهها دانست.

● نهاوندیان که به تازگی با تعدادی از اعضای اتحادیه اروپا دیدار کرده با اشاره به ثابت بودن حجم روابط اقتصادی ایران و اروپا می گوید: «مجموع مبادلات ایران با اتحادیه اروپا در سال گذشته ۵.۱۸ میلیارد یورو است در حالیکه معادلات ایران با چین ۳۰ میلیارد یورو است».

● او واردات بی رویه و هم چنین ثابت ماندن نرخ ارز را موجب ضربه خوردن به صنایع همچون چرم، نساجی و کفش دانست. او از ثابت ماندن نرخ ارز آن هم در شرایطی که نرخ تورم داخلی از نرخ تورم خارجی بالاتر است انتقاد کرد و آن را سیاستی اشتباه آمیز دانست. سیاست اخیر بانک مرکزی هم نوعی شوک در بازار را به دنبال داشت به گونه ای که بانک را در موضع انفعالی قرار داد و بانک مجبور شد ارز به بازار تزریق کند.

● او گفت: طرح حذف یارانه ها باید به گونه ای اجرا شود که شوکی به اقتصاد کشور وارد نشود. هدفمند کردن یارانه ها باید از راه «هدایت نقدینگی به بخش تولید به جای پرداخت مستقیم به مصرف کننده» باشد.

● توقف فعالیت سه صرافی بزرگ چون دلار نفروخته اند و تقاضای دلار که همچنان در افزایش است و اینهمه «فتنه اقتصادی» است:

● در ۲۱ مهر ۸۹، به گزارش ایسنا، بانک مرکزی ایران از ادامه فعالیت سه صرافی بزرگ به دلیل «تخلف» جلوگیری کرده است. بر اساس اعلام تارنمای رسمی بانک مرکزی ایران، «بر اساس گزارش بازرسان این بانک، فعالیت سه صرافی بزرگ به دلیل مشاهده پاره ای از تخلفات، متوقف شد». بانک مرکزی افزوده که پرونده این سه صرافی برای رسیدگی و تکمیل جزئیات در دست بررسی است. جزئیات بیش تری از توقف فعالیت این سه صرافی اعلام نشده است. امروز همچنین بانک مرکزی اعلام کرد که صرافی های دارای مجوز می توانند ارز مورد نیاز خود را از طریق صرافی بانکها دریافت کنند. بر اساس اعلام بانک مرکزی، متقاضیان ارز می توانند با مراجعه به همه صرافی های متعلق به بانکها و صرافی های خصوصی که مجوز بانک مرکزی دارند، ارز مورد نیاز خود را تهیه کنند. در همین حال، اسدالله اسدپور، مدیر عامل صرافی بانک ملی ایران، تأیید کرد که وضعیت تقاضا برای دلار «فروکش» نکرده است. به گفته وی، امروز صرافی های باتکی هر دلار را به قیمت ۱۰۵۰ تومان به صرافی های مجاز آن را با قیمت ۱۰۵۳ تومان به مردم عرضه می کنند. در پی نوسانات بازار ارز در ایران، قیمت دلار در صفحه ۱۰



در اوایل مهرماه جاری از ۱۲۰۰ تومان هم فراتر رفت. بانک مرکزی ایران برای کنترل قیمت ارز، ۱۰ مهر اقدام به عرضه دلار به قیمت ۱۰۷۰ تومان کرد. یک هفته پیش نیز محسن عباسی، یک مقام بانک مرکزی ایران از هشتاد «شدید» به برخی از صرافی‌ها خبر داده بود. مدیر اداره نظارت بر موسسات پولی غیر بانکی بانک مرکزی به ایسنا گفته بود که اگر این صراف‌ها روبه خود را اصلاح نکنند، مجوز صرافی آن‌ها باطل می‌شود. اشاره این مقام بانک مرکزی به صرافی‌هایی بود که در پی نوسانات نرخ دلار در ایران، از فروش ارز خودداری می‌کردند. برخی مقامات جمهوری اسلامی ایران، از وضعیت بازار ارز به عنوان «فتنه اقتصادی» نام می‌برند. امروز سردار اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی ایران در نشست هفتگی جامعه وعاظ تهران گفت: «ضرب‌آهنک فتنه اقتصادی شروع شده و آمریکایی‌ها در این دوره مأمور خزانهداری خود را به کشورهای مختلف می‌فرستند تا آن‌ها را تحت فشار قرار دهند.» وی افزایش قیمت ارز در هفته‌های اخیر را کار «دشمنان» دانست و گفت: «با نوطه جمع‌آوری ارز از بازار داخلی خواستند به امور اقتصادی ضربه بزنند، ولیکن این امر باعث شد تا نقدینگی از بازار جمع شود و ایران نسبت به توزیع ارز هیچ‌گونه محدودیتی ندارد.» با این حال برخی کارشناسان و نمایندگان مجلس ایران، شیوه مدیریت بانک مرکزی ایران را دلیل شکل‌گیری «بازار کاذب ارز» می‌دانند. غلامرضا مصباحی مقدم، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ایران می‌گوید که «نحوه مدیریت بانک مرکزی و اشتباه این بانک در توزیع ارز، اشتباهی کاذب به وجود آورده و موجب ورود دلالت‌ها به بازار شده است.»

*** مصرف بی‌رویه ارز و خطر کاهش شدید ذخیره ارزی در شرایط تحریم:**

در ۲۲ مهر ۸۹، سایت امروز گزارش کرده است: در حالی که با تشدید تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های یگانیه و فرا قانونی آمریکا و کشورهای غربی، کشور در شرایط حساسی از نظر بازرگانی خارجی به سر می‌برد و ذخائر ارزی ارزش مضاعفی در این شرایط دارد، کارشناسان درباره مصرف بی‌رویه ذخایر ارزی هشدار می‌دهند. بنابر اظهار یک منبع غیررسمی، مجموع ذخایر ارزی کشور در شرایط فعلی کمتر از پنجاه میلیارد دلار است که این رقم با احتساب طلبهای ایران از برخی کشورهای جهان سوم و در حال توسعه می‌باشد. ذخایر مذکور که ذخایر ارزی بانک مرکزی محسوب می‌شوند، نقطه اتکای کشور برای شرایط اضطراری و تحریم احتمالی خرید نفت می‌باشد و لزوم حفظ و حتی افزایش این ذخائر در شرایط فعلی، یکی از اولویتهای اساسی کشور می‌باشد. اما با این وجود نشانه‌ای از صیانت از ذخایر ارزی کشور در عملکرد اقتصادی دولت دیده نمی‌شود.

افزایش واردات و رسیدن رقم واردات به مرز بی سابقه ۳۰ میلیارد دلار ظرف ۶ ماه در کنار تزریق ارز به بازار تهران و فروش صدها میلیون دلار ارز ظرف چند روز برای تنظیم بازار، به علاوه ادامه روند انبساطی چند سال اخیر موجب شده است تا چراغ قرمز وضعیت ارزی کشور روشن گردد.

در این شرایط که خطوط اعتباری و فاینانس که امکان خریدهای غیر نقدی و مدت دار برای کشور را فراهم می‌آورد، به دلیل تحریمها مسدود شده است، ضرورت مدیریت منابع ارزی و صیانت از ذخائر ارزی کشور بیش از پیش احساس می‌شود. اگرچه رهبر انقلاب در سخنان صریح خود در تابستان گذشته با تأکید بر لزوم مدیریت واردات اهمیت این موضوع را خاطر نشان کردند، اما به نظر می‌رسد روند انبساطی اقتصاد کشور در سالهای گذشته همچنان ادامه دارد.

*** در اثر تحریم‌ها و بحران ارزی و سیاست‌های جدید دولت، تولیدکنندگان و صنعتگران، سرگردانند و نگران**

در ۱۹ مهر ۸۹، به گزارش خبر آنلاین، روزهای التهاب ارزی همچنان ادامه دارند. بازار ارز تهران زیر سایه صف‌های طولانی خرید دلار روز خود را به شب می‌رساند. در این میان خبرهایی نیز به گوش می‌رسد که نشان از ادامه دار شدن این تب و تاب در بازار ارز تهران دارد. گفته می‌شود صرافان به خریداران این ارز پر طرفدار تنها یک پاسخ می‌دهند، " دلار نداریم " و این در حالیست که زیر پوست این التهاب ارزی که همه نگاه‌ها را به سمت چهارراه استانبول کشانده وزن دیگری بر دوش صنایع کشور در حال اضافه شدن است:

● بی‌ثباتی بازار ارز که دومین هفته را نیز پشت سر گذاشت و وارد هفته سوم شد اکنون جدا از نگرانی‌هایی که برای سفته‌بازی‌ها و گرانی واردات کالا با خود همراه کرده، تیغ خود را به سمت تولید و هزینه‌های تولید نشانه گرفته است. نگرانی تولیدکنندگان از بی‌ثباتی نرخ ارز روی دیگری از نگرانی‌ها نسبت به ادامه دار شدن روزهای التهاب ارزی است:

بر همین اساس، پس از آنکه رنگ فروشان تهرانی از بروز مشکل تأمین مواد اولیه در کارخانه‌های تولید رنگ به دلیل افزایش بهای دلار و نیز تشدید فشارهای تحمیلی در فضای اقتصاد جهانی خبر داده و اعلام کردند که کارخانه‌های تولیدکننده رنگ در ایران با مشکل تأمین مواد اولیه مواجه شده‌اند و به همین دلیل رنگ به یکی از کالاهای نایاب در بازار تهران تبدیل شده است.

سایر صنایع نیز نگرانی‌های خود را، در این خصوص، ابراز می‌کنند: رسول خلیفه سلطانی دبیر انجمن فولاد با اشاره به اینکه مشکلات صنایع از یکدیگر جدا نیست و می‌توان گفت تقریباً تمامی صنایع با مشکلات همسانی مواجه هستند نگرانی از بی‌ثباتی نرخ ارز را مشکل جدیدی در عرصه تولید دانست که بر مشکلات دیگر بخش تولید اضافه شده است. هم‌اکنون در صنعت فولاد با مشکل توقف تولید مواجه نیستیم. در صنعت فولاد با مشکلی که بخش رنگ با آن برخورد کرده است مواجه نیستیم اما امیدواریم نرخ ارز هر چه سریع‌تر از حالت بی‌ثباتی خارج شده و به حالت اولیه خود بازگردد. عدم ثبات نرخ ارز در صورت طولانی شدن، سردرگمی را برای وارد

«شرانه»؟!

کنندگان مواد اولیه بخش تولید به همراه می‌آورد. زیرا فعالان این بخش نمی‌دانند مواد اولیه مورد نیاز صنایع را با چه قیمتی باید خریداری کنند که با توجه به بی‌ثباتی بهای دلار برای تولید صرفه داشته و از زیان واردات جلوگیری کند. با طولانی شدن بی‌ثباتی نرخ ارز، پستوانه تولید از بین می‌رود. مهم‌ترین مساله در این خصوص این است که ماده اولیه با چه قیمتی وارد عرصه تولید شود تا هم هزینه‌های تولید را افزایش ندهد و هم صرفه اقتصادی تولید را حفظ کند.

در شرایط کنونی که صنعت کشور بیش از هر زمان دیگری به واردات نیاز دارد و مواد اولیه صنایع بسیاری از طریق واردات تأمین می‌شود نباید واردات محدود شده و تولیدکننده با خطری نگران در این عرصه قدم بگذارد. این در حالیست که بی‌ثباتی نرخ ارز در کشور در کار محدودیت‌های جهانی که با آن روبه‌رو هستیم واردات را محدود تر می‌کند.

● خلیفه سلطانی می‌گوید: در حال حاضر گشایش LC برای واردات بسیار مشکل شده است و واردکنندگان مجبور هستند مواد اولیه یا کالای مورد نیاز را با پرداخت نقدی وارد کنند، بی‌ثباتی نرخ ارز مشکلات تأمین مواد اولیه را تشدید می‌کند. با توجه به اینکه هم‌اکنون هزینه‌های کشتی‌رانی یا به عبارتی حمل کالا به مقصد ایران افزایش یافته و هزینه‌های بیمه حمل نیز با رشد همراه بوده، این افزایش‌ها هزینه‌های واردات را بالا برده نباید نرخ ارز در بی‌ثباتی به سر برد تا به واسطه آن واردات مواد اولیه با تأخیر یا گرانی همراه شده و قوز بالا قوز تولید شود، چرا که در حال حاضر ۴۰ درصد مواد اولیه صنعت فولاد وارداتی است که این میزان سهم کمی نیست.

● این نگرانی در بخش‌های دیگر نیز به چشم می‌خورد، به گفته دبیر انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو این نگرانی از سوی اعضای این انجمن در جلسات مطرح شده و اعضا در پی یافتن راهکاری برای حل آن هستند: محمدرضا نجفی‌منش در این خصوص می‌گوید: با واقعی شدن نرخ ارز یا به عبارتی افزایش قیمت آن موافقیم، تنها نگرانی ما بی‌ثباتی نرخ ارز است که امکان برنامه‌ریزی را از تولیدکنندگان گرفته است.

*** احتمال تعطیل کارخانه‌های انرژی‌بر و بیکاری کارگران زیر فشار تحریم‌ها و هدفمند کردن یارانه‌ها:**

در ۱۹ مهر ۸۹، همشهری آنلاین گزارش کرده است: ● نساجی، چینی، کاغذ، چوب، فولاد، مس، آلومینیوم، فرو آلیاژ، سرب، روی و ریخته‌گری، سیمان، کاشی و سرامیک، شیشه، آجر، گچ و سنگ، قند و شکر، روغن، لبنیات و مواد شوینده جزو صنایع «انرژی‌بر» محسوب می‌شوند و از این رو در برابر اجرای قانون هدفمند شدن یارانه‌ها آسیب پذیری بیشتری دارند. برخی از این صنایع در استان کهگیلویه و بویر احمد فعال هستند. کارخانه‌های فولاد بویر احمد، سیمان و قند یاسوج و آجر گچساران و

کارخانه در حال ساخت آجر دهدشت از آن دسته صنایع استان به شمار می‌روند که براساس انرژی ارزان طراحی و ساخته شده‌اند. ● در شهرستان گچساران نیز یک کارخانه تولید سیمان سفید در حال ساخت است که بدون تردید از هدفمندسازی یارانه‌ها در نیمه دوم سال تأثیر می‌پذیرد. این کارخانه نیز براساس انرژی ارزان طراحی شده است.

تعدادی کارخانه تولید محصولات لبنی در استان وجود دارد که برخی زیر نظر سازمان صنایع استان و برخی نیز در حوزه مدیریت سازمان جهاد کشاورزی فعالیت دارند و دوج آبلی در یاسوج، کارخانه لبنی فرودگاه و تعاونی لبنیاتی عرفانی در دهدشت محصولات لبنی استان را تأمین می‌کنند. معاون برنامه‌ریزی سازمان صنایع و معادن استان کهگیلویه و بویر احمد با بیان این‌که در زمینه صنایع شیمیایی و مواد شوینده نیز کارخانه‌های کوچک و بزرگی در استان در حال فعالیت هستند، اضافه می‌کند: «مصرف انرژی در این صنایع بالاست یا به قول کارشناسان آنها در گروه صنایع انرژی‌بر قرار می‌گیرند و این نگرانی وجود دارد که بعد از حذف یارانه‌ها و افزایش قیمت انرژی، قیمت تولیدات این کارخانه‌ها و صنایع به شدت افزایش یابد، به طوری که مدیران آنها قادر به فروش کالاهای خود نباشند.»

● احتمال تعطیل کارخانه‌ها و بیکاری:

مدیران صنایع استان می‌گویند بنگاه‌های تولیدی به سادگی نمی‌توانند فشار قیمت تمام‌شده را به تولید نهایی منتقل کنند چون هم مشتری داخلی قدرت خرید ندارد، هم محصولات تولیدی قدرت رقابت با کالاهای وارداتی را نخواهد داشت. شهرام باقری، مدیر عامل کارخانه فولاد یاسوج، تصریح می‌کند که چون زیرساخت‌های لازم برای رقابت در استان کهگیلویه و بویر احمد وجود ندارد و فناوری به کار رفته در صنایع این استان از استانداردهای دنیا عقب‌تر است، در صورت حذف یارانه‌ها وضع صنایع انرژی‌بر مانند فولاد سخت خواهد شد.

وی می‌افزاید: «کل تولید واقعی فولاد کشور حدود ۱۲ میلیون تن است. در حالی که میزان تولید یک کارخانه فولاد در شهر انشان چین که مشخصاً از خط تولید آن دیدن کردم، به ۲۰ میلیون تن می‌رسد. هرچه میزان تولید بیشتر باشد، هزینه‌های تولید کمتر و در نتیجه امکان رقابت بیشتر می‌شود. تولید کارخانه فولاد یاسوج به اندازه‌ای نیست که بتواند با سایر شرکت‌ها رقابت کند، بنابراین در صورت حذف یکباره و ناگهانی یارانه‌ها بدون تردید کارخانه فولاد یاسوج تعطیل و ۵۰۰ کارگر آن بیکار خواهند شد.» به عقیده باقری، قانون هدفمند کردن یارانه‌ها باید برای صنایعی همچون فولاد به صورت پلکانی عملیاتی شود تا تولید آسیب جدی نبیند و قدرت ترمیم داشته باشد.

● مشکلات نوسازی صنایع: مشکلات ناشی از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها فقط به واحدهای تولیدی و فعال موجود بر نمی‌گردد، بلکه طرح‌های بسیاری نیز وجود دارد که براساس انرژی ارزان طراحی و اکنون نیز به دلیل کمبود نقدینگی نیمه‌تمام رها شده‌اند. این واحدهای نیمه‌تمام که بخش زیادی از آنها منتظر دریافت تسهیلات از بانک‌های استان هستند، با مشکلات مضاعفی مواجهند، زیرا ممکن

است دیگر طرح‌هایشان مزیت اقتصادی نداشته باشد.

بخش عمده‌ای از صنایع قدیمی نیز به دلیل ارزان بودن انرژی در ایران، از تجهیزاتی استفاده می‌کنند که مصرف انرژی در آنها بالاست که این واحدهای تولیدی نیز، هنگام حذف یارانه‌های انرژی با مشکل دو چندان روبه‌رو می‌شوند. زیرا از یک سو باید در مدتی که قیمت انرژی افزایش می‌یابد، هزینه‌های خود را کاهش دهند تا از پس افزایش قیمت‌ها بر آیند و از سوی دیگر ناچارند با تغییر تجهیزات و فناوری از میزان مصرف انرژی بکاهند. در استان کهگیلویه و بویر احمد به دلیل نزدیکی به منابع انرژی همچون گاز تولیدی در گچساران بسیاری از واحدهای تولیدی چنین وضعی دارند. شاید مدیران صنایع استان بتوانند با کاهش هزینه و همزمان با بالا بردن قیمت‌ها، واحدهای تولیدی خود را تا مدتی سرپا نگه دارند، اما مشکلاتی نظیر تحریم‌ها و کمبود نقدینگی مانع بزرگی بر سر نوسازی و بازسازی صنایع استان به شمار می‌رود.

*** حتی بنا بر آمار رژیم، نرخ بیکاری جوانان پسر بالای ۲۰ درصد و نرخ بیکاری دختران ۴۶ درصد است:**

در ۱۸ مهر ۸۹، به گزارش چکیده: در حالی که طبق برنامه چهارم توسعه قرار بود نرخ بیکاری جوانان به ۱۲.۵ درصد برسد، آمارها نشان می‌دهد که نرخ بیکاری این گروه سنی در بهار امسال بیش از ۲۰ درصد بوده و به خصوص این نرخ برای دختران جوان از رقم تأسف‌بار ۳۲ درصد در سال ۸۸ به میزان تکان‌دهنده ۴۶ درصد رسیده است.

سند اشتغال جوانان در حالی در برنامه چهارم به فراموشی سپرده شد که بررسی نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله (گروه سنی دارای نرخ بیکاری بالا) حاکی است در بهار امسال ۲۰/۴ درصد این گروه سنی بیکار بوده اند اما طبق برنامه می‌بایست این نرخ بیکاری تا ۱۲/۵ درصد پایین می‌آمد.

به گزارش خبرگزاری مهر، سن اشتغال جوانان در اواخر سال ۸۳ و پیش از تدوین برنامه چهارم توسعه نوشته شد تا در برنامه توسعه مد نظر قرار گرفته و بر مبنای آن عمل شود. این سند توسط شورای عالی جوانان بررسی و به تصویب رسید اولین و مهمترین سند و برنامه عمل راهبردی ملی در حوزه اشتغال بیکاری جوانان بود که در برنامه چهارم توسعه از آن غفلت شد.

در حال حاضر نرخ بیکاری در رده سنی ۱۵ تا ۲۹ سال حدوداً دو برابر نرخ بیکاری است که در برنامه چهارم به عنوان هدف سند اشتغال جوانان پیش‌بینی شده بود. اگر چه در تمامی دنیا و حتی کشورهای پیشرفته تعداد جمعیت بیکاران جوان نسبت به رقم عمومی بیکاری آن کشور بالاتر است ولی این اختلاف رقم در ایران بسیار بالاتر و نگران‌کننده است. بر اساس استانداردهای بین‌المللی، نرخ بیکاری جوانان به نرخ بیکاری کل کشور باید ۱.۵ برابر باشد در صورتی که در شرایط فعلی این نرخ در کشورمان بیش از دو برابر است. در واقع افزایش جمعیت جوان موجب رشد قابل توجه عرضه نیروی کار در کشور شده که با رشد ناچیز تقاضای جذب نیروی کار بر در صفحه ۱۱



عمق مشکلات اشتغال افزوده است به نحوی که در حال حاضر ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار جوان واجد شرایط برای اشتغال در کشور وجود دارد.

*** تورم، رکود اقتصادی، بی‌انضباطی مالی و بی‌اعتمادی مردم: چهار دیوار بلند گرداگرد طرح هدفمند کردن یارانه‌ها:**

◀ در ۱۸ مهر ۸۹، کلمه بررسی کرده است: حکومت احمدی نژاد قصد دارد طرح هدفمند شدن یارانه‌ها را در روزهای آینده آغاز کند. اما رفتارهای حکومت، نشانه آشکاری از این است که قصد ندارد به زمینه‌های لازم برای اجرای این طرح پایبند بماند. به همین خاطر است که نه فقط مردم و کارشناسان مخالف دولت، بلکه حتی خود دولتمردان و حامیان آنها هم نگران تبعات اقتصادی و اجتماعی اجرای این طرح هستند. مگر حکومت ادعا نمی‌کند که بر اوضاع مسلط است؟! پس این همه نگرانی برای چیست؟ آیا دولت نیز مانند مخالفان به این باور رسیده است که اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بدون انجام زمینه‌سازی‌های لازم، نوعی خودکشی است؟

براساس نظر کارشناسان، برای اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، وجود چهار پیش‌شرط در جامعه مورد نظر الزامی است:

- (الف) نرخ رشد اقتصادی بالا،
- (ب) نرخ تورم پایین،
- (ج) انضباط مالی در کارکردهای دولت،
- (د) اعتماد بالای مردم به عملکرد دولت.

در شرایط فعلی، کدامیک از چهار پیش‌نیاز بالا در کشور وجود دارد؟

● خطر آزادسازی قیمت‌ها در شرایط رکود:

یکی از اثرات حداقل کوتاه مدت اجرای طرح هدفمند شدن یارانه‌ها (حذف یارانه‌ها) ایجاد رکود در بخش تولید و به تبع آن در بخش اشتغال نیروی کار است. زیرا حذف یارانه انرژی باعث افزایش هزینه‌های تولید خصوصاً در صنایع بزرگی مانند فولاد، سیمان، خودرو سازی و ... خواهد شد و به نسبت سهمی که انرژی در قیمت تمام شده کالاهای آنها دارد قیمت کالاهای تولید شده افزایش می‌یابد و این پدیده موجب افزایش تورم (ناشی از فشار هزینه) در اقتصاد کشور می‌شود که به رکود تورمی موجود در اقتصاد کشور خواهد افزود. از طرف دیگر، چون قدرت خرید اکثریت جامعه متناسب با افزایش قیمت‌ها افزایش نخواهد یافت در طرف تقاضا باعث کاهش تقاضای کل در اقتصاد کشور شده در نهایت باعث کاهش عرضه کل و کاهش اشتغال و افزایش بیکاری خواهد شد. در شرایطی که اقتصاد کشور سال ۱۳۸۸ رشد نیم درصدی را تجربه کرده است اجرای هدفمند سازی یارانه‌ها (حذف یارانه‌ها) نرخ رشد اقتصادی کشور را منفی خواهد نمود و به هر حال، کاهش نرخ رشد اقتصادی از پیامدهای حذف یارانه‌هاست و به همین دلیل است که کارشناسان یکی از پیش‌شرط‌های اجرای سیاست مذکور را داشتن نرخ رشد اقتصادی بالا دانسته‌اند تا اقتصاد کشور بتواند کاهش رکود اقتصادی را

«شرانه»؟!

نمودن برخی الزامات و امکانات نیازمند داشتن یک برنامه بلند مدت است که از ورود یک شوک غیرقابل تحمل اقتصادی و اجتماعی جلوگیری نماید.

با این اوصاف، اولاً آیا حکومت در خصوص اجرای قانون حذف یارانه‌ها دارای یک برنامه بلند مدت (حداقل ۵ ساله) بوده است و به عبارتی دیگر تمهیدات لازم برای اجرای این سیاست را فراهم نموده است؟ از شواهد امر پیداست که متأسفانه حکومت نه تنها خود برنامه مشخصی در این خصوص ندارد بلکه از اجرای قانون برنامه چهارم توسعه کشور نیز خودداری نموده است. حتی از اجرای صحیح برنامه و بودجه‌های پنج ساله اخیر نیز به اتحاء مختلف منحرف شده و تخلفات مالی متعددی مرتکب شده است. مراجعه به گزارش‌های متعدد دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور در مورد تخلفات مالی و برنامه‌ای دولت در سال‌های اخیر گویای حجم گسترده تخلفات و بی‌انضباطی مالی دولت است. از آن جمله می‌توان به واریز نکردن هزار میلیارد تومان از درآمد حاصل از فروش نفت توسط دولت به خزانه در سال ۸۶ و هفت هزار میلیارد تومان در سال ۸۷ اشاره نمود. همچنین اعمال فشار حکومت بر بانک مرکزی و بانک‌های دولتی جهت تزریق پول به اقتصاد کشور در قالب اعطای تسهیلات به طرح‌های زود بازده و طرح‌های استانی (به واسطه تصمیمات بدون برنامه و پشتوانه مالی لازم حکومت در سفرهای استانی) و شرکت‌های دولتی که باعث افزایش موققات بانکی و در آستانه ورشکستگی قرار دادن بانک‌ها گردیده است.

● مردم به دولت اعتماد ندارند: ضرورت وجود اعتماد بالای جامعه به دولت یکی دیگر از پیش‌شرط‌های حذف یارانه‌هاست. حذف یارانه‌ها خواه ناخواه (در کوتاه مدت) فشارهای مالی و روانی زیادی را به جامعه وارد خواهد نمود. چنانچه مردم به دولت به واسطه رفتارها و عملکرد آن اعتماد داشته باشند به امید بهبود شرایط اقتصادی‌شان در بلند مدت، در کوتاه مدت، فشارها و عوارض مالی آن را تحمل می‌کنند و دولت می‌تواند در سایه اعتماد مردم و آرامش جامعه برنامه‌های بلند مدت خود را در این خصوص اجرا نماید.

... کاهش رشد اقتصادی کشور به نیم درصد افزایش نرخ بیکاری به حدود ۱۵ درصد (نرخ بیکاری در بین جوانان بسیار بیشتر است و در بین فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها نرخ بیکاری حدود ۵۰ درصد است) کاهش دستوری نرخ تورم اعلامی توسط بانک مرکزی مورد باور و اعتماد کارشناسان اقتصادی، مردم و حتی علمای حوزه نیست، واگذاری سهام عدالت و عدم تحقق وعده‌های پرداخت سود به صاحبان سهام، افزایش حقوق کارمندان و باز نشستگان در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم و رفتارهای حکومت با آنها پس از اتمام انتخابات، انجام تقلب گسترده در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، دستگیری و زندانی کردن و شکنجه کردن فرزندان انقلاب بدون دلیل و سند و مدرک و صرفاً به جرم عدم پذیرش انتخابات متقلبانانه، کشته شدن تعداد زیادی از جوانان و

دانشجویان در اثر شکنجه‌های غیرانسانی در زندان‌ها، برقراری حکومت نظامی و استقرار گسترده نیروهای انتظامی و امنیتی در سطح شهر و خیابان‌ها از زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری تاکنون، سلب هرگونه امکان انتقاد و اعتراض به رفتارهای مجرمانه دولت از مردم، اعلام و انتشار گسترده دروغ‌پردازی‌های دولت علیه منافع ملی و ... همه و همه از دلایلی است که مردم و جامعه را نسبت به دولت بی‌اعتماد ساخته است.

انقلاب اسلامی: اقتصاد کشور را مافیاهای نظامی - مالی به این روز انداخته‌اند و البته اقتصادی چنین متلاشی، امکان رانت خواری را به حد اکثر می‌رساند:

فهرست اسامی اعضای مافیاهای که از رهگذر استبداد ملاتاریا، از انقلاب بدین سو، تشکیل شده‌اند - ۱۴

میانی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام.

میانی - محمد - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام. میانی - محمد - رئیس شعبه سه تجدید نظر استان خراسان.

میانی نژاد - نیکدل - از مداحان باند سرکوب‌های خیابانی نظام ولایت.

نائینی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام.

نادران - الیاس - سردار سپاه - از نیروهای نظامی - اطلاعاتی در دهه شصت. نماینده فعلی مجلس، عضو اسبق سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.

نادعلی - علیرضا - دبیر بسیج دانشجویی.

نادی - غلامحسین - حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی - حجت الاسلام.

ناصرزاده - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام.

ناصری - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام.

ناصری - محمدرضا - حجت الاسلام - حاکم شرع و رئیس دادگاههای یزد در سال ۵۹.

ناصری - مسئول روابط عمومی زندانهای خراسان رضوی.

ناصریان - دادیار زندان اوین و از یاران لاجوردی. او در کنار لاجوردی در اعدام مبارزان بسیار خشن بود.

ناصریان - هاشم - از نیروهای رده بالای وزارت اطلاعات.

ناطق نوری - علی اکبر - وزیر کشور - نماینده مجلس - حاکم شرع دادگاههای انقلاب - رئیس بازرسی بیت رهبری - عضو ارشد باند مافیاهای سیاسی - امنیتی.

ناطق نوری - فرزند ناطق نوری داماد آیت الله مهدوی کنی در کار خرید و فروش تسلیحات نظامی. عضو باند اقتصادی.

ناظری - علی پرسنل معاونت اطلاعات مردمی و مسئولیت اداره عملیات آن معاونت - عضو باند ترور و اطلاعات.

ناظم زاده - علی اصغر - حجت الاسلام - رئیس دادگاههای انقلاب حاکم شرع کاشان در سال ۵۹.

ناظمی اردکانی - محمد - رابط نیروهای سپاه با حکام شرع در غرب کشور. وزیر تعاون، شوهر عمه داماد زربیافان - شوهر خواهر مرتضی نبوی.

نامی - معاون اطلاعات زابل از اعضاء باند امنیتی - اطلاعاتی.

نبوی - بهزاد - از اعضای باندهای سیاسی - امنیتی - عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - سخنگوی دولت رجایی - وزیر صنایع - از عوامل بیانیه الجزایر - از عوامل کودتای سال شصت که بعدها اصلاح طلب شد. دایی و عمه وی از گروه حزب زحمتکش بود و پدر و مادر وی سلطنت طلب. خود وی نیز هم در حزب توده بود و هم در میان اعضای سازمان مجاهدین خلق.

نبوی - مرتضی - از بخش رسانه ای وزارت اطلاعات. عضو باندهای اقتصادی - اطلاعاتی - ترور - سیاسی.

نبوی - حاج رضا - از مداحان باند سرکوب‌های خیابانی نظام ولایت.

نبوی - سیدمحسن - عضو هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری خارجی، داماد محمود زربیافان - پسر مرتضی نبوی.

نبوی - سید محسن - سفیر ایران در اطریش - دایی مادر احمد توکلی.

نبی زاده - سید مهدی - از کار پردازان مخابرات - دوست متکی - سفیر ایران در هند.

نجابت - حسین - نماینده مجلس - کمیسیون قضایی - وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی نظام ولایت مافیاهای نجابت احمد - معاون وزیر بهداشت و درمان نماینده سابق شیراز پدر داماد آیت الله حائری شیرازی.

نجابت - علیرضا، فرزند احمد نجابت - معاون صدا و سیما فارس، داماد آیت الله حائری شیرازی است.

نجابت - غلامحسین - نماینده مردم تهران، برادر احمد نجابت باجناق آیت الله حائری شیرازی است و داماد آیت الله سید منیر الدین حسینی شیرازی.

نجابت - محمود - معاون دانشگاه پزشکی شیراز - استاد دانشگاه، باجناق دکتر خرسندیان استاد دانشگاه است.

نجات - حسین - سردار سپاه - مسئول حفاظت بیت رهبری و از اعضای باند نظامی - رسانه ای.

نجات ثابت - محمود - از وابستگان به باند سیاسی نظام ولایت مافیاهای و از اعضای گروه آبادگران جوان.

نچار - اسماعیل - استاندار کردستان. نجف آبادی - امید - حجت الاسلام نماینده مجلس - از دادستانهای ابتدای انقلاب و صادر کننده حکم اعدام برای بعضی دستگیر شدگان و وابستگان به رژیم سابق از جمله، محاکمه و اعدام میر اشرافی نماینده اصفهان در مجلس رژیم گذشته و دوران حکومت مصدق.

میر اشرافی از عوامل فعال در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بود و پیام راد یونی او بعد از انجام کودتا، ضدیت و کینه او را به مصدق وحسین فاطمی آشکار می‌کند.

در جریان محاکمه از خودش آفتدر خاطر جمع بود که خمینی او را اعدام نمیکند و گفته شد که خمینی نیز پیکی جهت عدم اعدام او فرستاد ولی او را اعدام کردند و گفتند که دستور در صفحه ۱۲



خمینی دیر به دست امید نجفآبادی رسیده است. خود نجف آبادی را بعداً در جریان سید مهدی هاشمی دستگیر و از جمله اتهام فساد اخلاقی! به اعدام محکوم کردند.

نجفی - محمد علی عضو حزب کارگزاران از اعضای باند سیاسی - اقتصادی نظام ولایت.

نجفی - حسین - از مدیران سازمان صدا و سیما - عضو باند رسانه ای.

نجفی - محمد علی - مدیر کل نظارت بر اماکن عمومی - سردار سپاه.

نجفی - محمد صادق - از حکام شرع دادگاههای انقلاب اسلامی - آیت الله.

نجفی - نماینده خبرگان رهبری، امام جمعه خوی و رئیس دانشگاه آزاد خوی، حجت الاسلام.

ندیمی - از نیروهای آموزشی - رسانه ای وزارت اطلاعات.

نریمان - محسن - از نیروهای وزارت اطلاعات - مدیر کل.

نصرتی - اصغر - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی.

نصیری - مهدی - از بخش رسانه ای وزارت اطلاعات. مدتی مدیر مسئول روزنامه کیهان بود و بعد نشریه صبح را منتشر می ساخت.

نصیری پور - قاسمعلی معروف به قاسم مرشدی از اعضای باند امنیتی - اطلاعاتی.

نظری - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام.

نظری - خدیجه - همسر محمد هاشمی رفسنجانی و از اعضای باند فاسد اقتصادی در زمین و مسکن.

نظری - فرهاد - سردار سپاه و از عوامل حمله به کوی دانشگاه که در آن جریان به عنوان پشتیبان و حامیان سر کوب وارد عمل شده بود.

نظری منفرد - از سخنرانان مراسم انصار حزب الله.

نظری مهر - جواد - برادر زن آقای منکی - رایزن امور کار در سفارت ایران در بحرین.

نظری مهر - طاهره - همسر منکی - از بهزیستی به وزارت امور خارجه - مشاور وزیر.

نظری مهر - وحید - برادر زن آقای منکی - مسئول خانه فرهنگ ایران در لندن.

نعمت زاده - کاظم - از فعالین انجمن حجتیه در خوزستان.

نعمتی - علیرضا - از فرماندهان سپاه - سردار سپاه.

نعمتی - مسعود - از اعضای برجسته باند سر کوب های خیابانی که در حمله به کوی دانشگاه سنگ تمام گذاشت و با دسته پیل های خریداری شده دانشجویان را مورد ضرب و شتم شدید قرار می داد.

نعیم آبادی - غلامعلی از امامان جمعه و مرتبط با قوه قضاییه - آیت الله.

نعیمی پور - محمد - از نیروهای اطلاعات در دهه شصت. عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.

نقاش - انیس - از نیروهای خارجی متولد لبنان، وابسته به باند ترورهای خارجی و از قاتلین شاپور بختیار که دستگیر شد و بعد از حدود ۱۵ سال زندان در فرانسه، در این اواخر آزاد و به ایران رجعت داده شد و در ایران، رژیم جنایت و فساد از او همچون کاظم دارابی، از عوامل اصلی قتل رهبران کرد در رستوران میکونوس برلین - آلمان - با سلام و صلوات و حلقه گل به گردن او، استقبال نمود.

نقاشان - از بازجویان ابتدای انقلاب که در بازجویی از گروه فرقان در باند ناطق نوری بود.

«شرانه»؟!

نوذری - قوام - مدیر کل دفتر فنی مهندسی سازمان زندانها - استانداری استان زنجان.

نوعی اقدم - حسن - نماینده مجلس - عضو کمیسیون قضایی. - از پروهای امنیتی اطلاعاتی نظام ولایت مافیایا.

نکودهی - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام.

نکونام - از دادستانهای برجسته و از قضات نمونه!! دوران ولایت فقیه است - حجت الاسلام.

نیازی - مدیر کل وزارتی کار. نیازمند - از اعضای وابسته به باند سر کوب های خیابانی و اقتصادی در مشهد.

نیرومند - سید محمد صادق - نماینده مجلس - عضو کمیسیون قضایی. - از اعضای باند سیاسی نظام ولایت مافیایا.

نیری - جعفر - حسینعلی - از حکام شرع دادگاههای انقلاب و باند قضایی ولایت - حجت الاسلام.

نیلی - میثم - دبیر کل اسبق جامعه اسلامی دانشجویان، از وابستگان به باند سر کوب های خیابانی.

نیلی - مقداد - رئیس سایت رجا نیوز، داماد آیت الله رئیسی معاون قوه قضائیه.

نیک روش - سید کمال الدین - نماینده مجلس - گروه ۹۹ نفره.

نیکبختیان - باند سر کوب های خیابانی نظام ولایت.

نیکدل - مهدی - شریفی - از اعضای مافیای امنیتی - اقتصادی.

هادی نجف آبادی - محمد علی - نماینده مجلس - رابط ایران و آمریکا - از نیروهای مشکوک در قضایای مخفی ارتباط با آمریکا.

هاشمی ثمره - مشاور عالی، رئیس ستاد انتخابات کشور و همه کاره رئیس جمهور.

هاشمی - سردار سپاه - رئیس راهنمایی و رانندگی تهران - فرمانده سابق نیروی انتظامی همدان.

هاشمی - سید محمود - از مسئولان سابق صدا و سیما. - عضو باند رسانه ای - از اعضای باند رسانه ای نظام ولایت.

هاشمی - سید مهدی - حجت الاسلام - از جنایتکاران قبل و بعد از انقلاب که موجبات قتل های بسیاری را به وجود آورد و در نهایت به دلیل افشای ارتباط ایران با آمریکا در رابطه با مک فارلین دستگیر و بعد از شکنجه های فراوان توسط باند ریشه‌ری به اعدام محکوم شد. وی برادر داماد آیت الله منتظری بود.

هاشمی - عبدالحمید - از مدیران سابق سازمان صدا و سیما - عضو باند رسانه ای.

هاشمی - مهدی - از فرماندهان سپاه - معاون شهرداری تهران و معاون وزیر کشور و مسئول ستاد سوخت.

رئیس فدراسیون تیراندازی - معاون در پدافند غیر عامل و... سردار سپاه.

هاشمی - کیومرث - از باند فاسد ورزشی که وابسته به باند سیاسی است.

هاشمی - مدیر کل وزارتی دادگستری.

هاشمی بهرمانی - اکبر - هاشمی رفسنجانی - از مسئولین جنایت در کشور که در مورد او مطالب زیادی موجود است.

هاشمی بهرمانی رفسنجانی - محمد - برادر کوچک هاشمی رفسنجانی - معاون وزارت کشاورزی - معاون مالی - اداری نخست وزیری - رئیس صدا و سیما - عضو مجمع تشخیص مصلحت

شاهروندی بقول معروف، شریک دزد و

و... از بزرگان باند فاسد اقتصادی - سیاسی نظام ولایت.

هاشمی بهرمانی رفسنجانی - فائزه - دختر هاشمی رفسنجانی - دو دوره نماینده مجلس - از اعضای باند رسانه - سیاسی - اقتصادی نظام ولایت مافیایا، عروس آیت الله مرحوم لاهوتی.

هاشمی بهرمانی رفسنجانی - فاطمه - دختر هاشمی رفسنجانی - رئیس سازمان بیماری های خاص، از اعضای باند سیاسی نظام ولایت، عروس مرحوم آیت الله لاهوتی.

هاشمی بهرمانی رفسنجانی - قاسم - برادر بزرگ اکبر هاشمی مسئول امور اقتصادی هاشمی رفسنجانی و مدیر امور سالاربه. وی در سال ۵۷ کشته شد . او پدر علی هاشمی از اعضای باند اقتصادی و سیاسی است.

هاشمی بهرمانی رفسنجانی - محسن - فرزند ارشد اکبر - از مهندسان سازمان موشکی وزارت دفاع - رئیس دفتر ریاست جمهوری - مدیر عامل متروی تهران. از اعضای باند سیاسی اقتصادی نظام مافیایا.

هاشمی بهرمانی رفسنجانی - مهدی - معاون وزیر کشاورزی - شرکت صنایع دریایی - شرکت بهینه سازی سوخت - رئیس دفتر هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی - دوست و یار مسعود سلطانی از رهبران چماقدار کشور. او اکنون بخاطر بازداشت شدن از سوی عوامل سر کوب احمدی نژاد در خارج از کشور بسر میبرد البته به بهانه رسیدگی به موسساتی که با دانشگاه آزاد در ارتباط هستند!

هاشمی بهرمانی رفسنجانی - یاسر - از نیروهای سطح بالا در باندهای مافیایی اقتصادی و فساد مالی.

هاشمی بهرمانی رفسنجانی - علی - برادر زاده هاشمی بزرگ از اعضای باند مافیای اقتصادی و سیاسی در وزارت نفت و مسکن.

هاشمی - پرسنل معاونت امنیت. شاغل در اداره عملیات آن معاونت، عضو باند تروهای داخلی و خارجی.

هاشمی ثمره - عبدالحمید - معاون وزیر صنایع، برادر هاشمی ثمره.

هاشمی ثمره - مجتبی - نماینده رهبری در صدا و سیما - خواهر زاده محمد رضا باهنر، معاون همه کاره احمدی نژاد.

هاشمی ثمره - محمود - نماینده تام الاختیار در کاروان راهیان نور، خواهر زاده باهنر.

هاشمی ثمره - مهدی - مدیر کل وزارتی وزیر نیرو، برادر هاشمی ثمره.

هاشمی راد - دادستان کاشان در سال ۵۸

هاشمی شاهرودی - سید محمود - عضو شورای نگهبان - چند سالی رئیس قوه قضائیه بعد از شیخ یزدی - از اعضای شورای عالی قضایی در دهه ۶۰ و ۷۰. پدر عروس موسوی اردبیلی.

او اصلاً از عراقیهای ایرانی متولد نجف است که در جریان جنگ ایران و عراق در ایران از موسسین و رئیس مجلس اعلاای اسلامی عراق در ایران بود بعد از مدتی سید محمد باقر حکیم و خانواده او که نقش زیادی در تاسیس این حزب داشتند، رئیس این حزب گردید و بعد از ترور او در بغداد برادرش عبدالعزیز حکیم رئیس آن گردید و بعد از فوت عبدالعزیز در ۱۳۸۸ ریاست مجلس اعلاا به عمار حکیم رسید. در واقع سید محمود شاهروندی بقول معروف، شریک دزد و

فیق قافله است!

هاشمی طباطبائی - مصطفی - عضو حزب کارگزاران، عضو باند های سیاسی و اقتصادی نظام ولایت مافیایا.

هاشمی گلپایگانی - علی - نماینده امام در حج و زیارت در سال ۵۹.

هاشمی نژاد - حجت الاسلام چماقدار اول انقلاب.

هاشمی نژاد - حسین - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام.

هاشمی نژاد - مریم - همسر علی هاشمی برادر زاده هاشمی و از اعضای وابسته به باند اقتصادی هاشمی در زمین و مسکن.

هاشمیان - علی - از نیروهای وابسته به باندهای سیاسی - قضایی نظام ولایت مافیایا.

هاشمیان - محمد - از حکام شرع دادگاههای انقلاب - حجت الاسلام.

هاشمیان سید محمد - خواهر زاده اکبر هاشمی رفسنجانی و امام جمعه رفسنجان از اعضای باند مافیای پسته خود و برادرانش صاحب اتحادیه پسته رفسنجان می باشند. همسر وی خواهر زاده محمد خاتمی و دختر صدوقی می باشد.

هراتی - حسین - از مدیران صدا و سیما - عضو باند رسانه ای.

هشترودی - هاشم - مدیر عامل ایران نوکیا - از اعضای باند اقتصادی.

هلالی - حاج عبدالرضا - از مداحان باند سر کوب های خیابانی نظام ولایت. همتی - بهروز - استاندار خراسان شمالی.

همتی - عبدالناصر - خواهر زاده هاشمی رفسنجانی - از مدیران اسبق صدا و سیما و رئیس سابق بیمه ایران. همدانی - از فرماندهان سپاه همدان - سردار سپاه.

هندوست - محمد - از بازجویان ابتدای انقلاب که در بازجویی از گروه فرقان در باند ناطق نوری بود. وی بعد از آن به مدیریت در صدا و سیما رسید. عضو باندهای امنیتی - رسانه ای نظام مافیایا.

هوشیار - از مداحان باند سر کوب های خیابانی نظام ولایت.

هوشیارگر - کریم - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی.

واعظ - شیخ محمد علی - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام. از شاگردان مصباح یزدی.

واعظ طوسی - حمید - فرزند عباس - از اعضای باند قضایی - اقتصادی - حجت الاسلام.

واعظ طوسی - عباس - معروف به سلطان خراسان، از حکام شرع و بزرگان مافیا در بخش های قضایی - اقتصادی و... حجت الاسلام.

واعظ طوسی - ناصر. از فرزندان واعظ طوسی بزرگ که در جنایات بسیار دخیل بوده است. عضو باندهای قضایی - اقتصادی و سیاسی.

واعظی - محمد تقی - از مرتبین با قوه قضاییه - حجت الاسلام.

واعظی - حاج احمد - از مداحان باند سر کوب های خیابانی نظام ولایت.

واعظی - محمد - از حکام شرع دادگاههای انقلاب وری نئیس شعبه ویژه ۱۰۱۰

واعظی - محمد تقی - از مرتبین با قوه قضاییه - حجت الاسلام.

واعظی - منصور - عضو ارشد حزب الله - عضو دفتر بررسی شورای نگهبان - دوست نزدیک احمد جنتی و - عضو و مدیر کتابخانه های کشور.

واعظی - موسی - حاجی زمانی - از نیروهای اطلاعات در دهه شصت. در صفحه ۱۳



واعظی آشتیانی - امیر رضا عضو شورای شهر دوم تهران و نامزد فهرست رایحه خوش خدمت (حامیان دولت رئیس فدراسیون دوچرخه سوار و رئیس هیات مدیره تیم فوتبال جوادلی).

واعظ جوادلی آملی - اسماعیل - برادر جوادلی آملی و پدر خانم جوادلی عضو باندهای سیاسی - اقتصادی.

واقفی - داوود - از اعضای باند امنیتی - اطلاعاتی - و ترورهای داخلی و خارجی دوست سعید امامی و گروه فدائیان ناب.

ونوقی - حمید - از مدیران صدا و سیما - شبکه پیام - عضو باند رسانه ای مافیاهای.

وجدانی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام.

وحید خراسانی - از علمای وابسته به نظام ولایت - پدر زن صادق لاریجانی - آیت الله.

وحید دستجردی - مرضیه - نماینده مجلس.

وحید - سردار سپاه - سازمان صنایع هوا فضا.

وحیدی - سردار سپاه - از اعضای باند نظامی - امنیتی وابسته به بیت رهبری مافیاهای.

وردی نژاد - فریدون - مهدی نژاد - از نیروهای نظامی - اطلاعاتی در دهه شصت - قائم مقام معاونت اطلاعات سپاه - مسئول ورود مک فارلین به ایران - سفیر سابق ایران در چین - رئیس سابق خبرگزاری ایرنا.

وعیدی - جواد - از نیروهای وزارت اطلاعات در بخش خارجی. مسئول حمله به اتوبوس بازرگانان امریکایی که به ایران سفر کرده بودند - عضو گروه انرژی هسته ای - از مدیران نشریه همشهری. عضو باندهای ترور در داخل و خارج از کشور.

ولایتی - علی اکبر - پزشک کودکان بود قبل از انقلاب در آمریکا، بعد از آمدن به ایران بعد از انقلاب، نماینده مجلس دور اول - وزیر امور خارجه چندین دوره از دولت‌های بعد از انقلاب شد و در بسیاری از ترورهای خارجی نقش داشت. وی از اعضای بلند پایه باند سیاسی نظام مافیایی می باشد و در حال حاضر نقش مشاور بین المللی رهبری را بر عهده دارد.

ولایی - عیسی - نماینده مجلس در دور سوم.

ولی نیا - مدیر کل زندانهای استان یزد. وکیل زاد - حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی - حجت الاسلام.

وکیلان - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت.

یار ارشدی - معاون پارلمانی وزیر دفاع و نیروهای مسلح.

یحیی - محسن - نماینده مجلس عضو کمیسیون امنیت ملی، عضو هیات مؤتلفه اسلامی از اعضای باند امنیتی - سیاسی و اقتصادی.

یحیی زاده - سید جلال - سخنران انصار حزب الله.

یحیی زاده - نماینده تفت و میبد عضو باند سیاسی.

یزدانی - عباس - از نیروهای اطلاعات در دهه شصت. دانشجوی خط امام در حمله به سفارت امریکا.

یزدانی - مدیر کل سابق بخش اروپایی صدا و سیما - باند رسانه ای.

یزدانیان - مدیر کل قضایی نیروهای مسلح.

یزدی - حجت الاسلام - فرزند آیت الله محمد یزدی - عضو باند مافیایی قضایی.

یزدی - حجت الاسلام - فرزند آیت الله یزدی مسئول مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی.

«شُرّانه»؟!

یزدی - حمید - فرزند آیت الله یزدی از اعضای قضایی - اقتصادی مافیاهای - حجت الاسلام.

یزدی - محمد - نماینده مجلس - نماینده حزب جمهوری در درگیری های رئیس جمهوری - رئیس ده ساله قوه قضائیه - شورای نگهبان - شورای خبرگان رهبری - عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه - عضو گروه ۹۹ نفره.

یساقی - علی اکبر - از معاونین عباسعلی علیزاده در مشهد.

یوسف امین - سید محمد - از نیروهای نهضتی سپاه پاسداران و عضو باند ترورهای خارجی در جریان میکونوس از لبنان.

یوسف پور - علی رحیم - نماینده مجلس - گروه ۹۹ نفره.

یوسف پور - مدیر مسئول نشریه سیاست روز و مشاور وزیر نیرو. از اعضای سیاسی و رسانه ای نظام ولایت.

یوسفی - از بازجویان زندان های شمال.

یوسفی - حمید از نیروهای وابسته به باند اطلاعات خارجی مستقر در فرانسه.

یوسفی - نگهبان زندان اوین.

یوسفی - حسن - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام.

یوسفی هدایتی - از مداحان باند سر کوب های خیابانی نظام ولایت.

یونسی - علی - آدریسی - وزیر اطلاعات دوره اصلاحات - حجت الاسلام.

یکتا - حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی - حجت الاسلام.

یکتن خدایی - رئیس دادگستری استان هرمزگان - حجت الاسلام.

انقلاب اسلامی: در تجاوزهای رژیم مافیاهای به حقوق بشر، بستگان از خورد و کلان نیز مصون نیستند:

◀ در ۱۶ مهر ۸۹، به گزارش هرانا، دکتر سید علی اصغر غروی که روز جمعه نهم مهرماه همراه با چند تن از اعضای نهضت آزادی ایران بازداشت شده بود، علیرغم صدور حکم آزادی از سوی قاضی دادگاه انقلاب همچنان در بازداشت بسر می برد.

◀ در ۲۰ مهر ۸۹، به گزارش دانشجو نیوز، امیر حسین فتوحی که مسئولیت ستاد "شهروند آزاد" مهدی کروی در استان هرمزگان را در انتخابات گذشته بر عهده داشته است، در ۲۶ مردادماه امسال در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد و در ۸ شهریور ماه حکم ۴ سال حبس تعزیری به وی ابلاغ شد.

◀ در ۲۰ مهر ۸۹، به گزارش رهانا، حسین زرینی، عضو ستاد ایثارگران میر حسین موسوی بیش از پنج ماه بود که توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. او همچنان در توقیف است و در همه این مدت خانواده وی از هر گونه تماس تلفنی و ملاقات با او محروم مانده اند.

◀ در ۲۱ مهر ۸۹، به گزارش هرانا، سال گذشته بعد از برگزاری تجمع اعتراضی، احسان فتحیان در دانشگاه تهران در تاریخ ۴/۹/۸۸ به اتهام اجتماع و تبانی بر ضد امنیت داخلی دستگیر و پس از ۸۰ روز بازداشت در بندهای ۲۴۰ و ۲۰۹ زندان اوین با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد.

حسین زرینی در تاریخ ۳۱/۶/۸۹ به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه احضار و به دو سال حبس تعزیری بدل به ۲ میلیون جریمه نقدی محکوم شد.

◀ در ۲۲ مهر ۸۹، به گزارش فرارو، روزنامه ایران طی گزارشی از دستگیری چهار نفر از اعضای گروه "مادران عزادار" خبر داده است.

◀ در ۲۲ مهر ۸۹، به گزارش دانشجو نیوز، حسین سر شومی از دانشجویان آزادیخواه برابری طلب که در تاریخ ۳۱ خرداد بازداشت شد، کماکان در بلاکلیفی کامل در بند الف-طاهای زندان امنیتی حفاظت اطلاعات اصفهان به سر می برد.

◀ در ۲۲ مهر ۸۹، به گزارش دانشجو نیوز، مادر و خواهر سعید زینالی زندانی سیاسی مفقود شده از ۱۸ تیر ماه، شبیه شب ۱۷ مهر، در منزل شان بازداشت شده اند.

◀ در ۲۳ مهر ۸۹، به گزارش جرس و به نقل از روابط عمومی جبهه دموکراتیک، در رای دادگاه حشمت الله طبرزدی آمده است: دادگاه با توجه به مراتب مذکور و دفاعیات غیرموجه متهم و وکلای مدافع وی، کلیه اتهام های انتسابی را وارد تشخیص داده و با استناد به مواد ۵۰۰، ۵۱۴ و ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی، حکم بر محکومیت متهم به تحمل یک سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی به جهت فعالیت تبلیغی بر ضد نظام جمهوری اسلامی و دو سال حبس تعزیری به جهت تبانی به جهت نظام جمهوری اسلامی و دو سال حبس تعزیری به جهت تبانی و تباخی به قصد ارتکاب جرایم بر ضد امنیت کشور و یک سال حبس تعزیری و

مادران و بستگان قربانیان نیز از تجاوزهای رژیم به حقوق انسان، مصون نیستند:

مهرماه در اعتصاب غذاست، و تقریباً یک ماه است که هیچ تماسی با خانواده نداشته است.

◀ در ۲۶ مهر ۸۹، به گزارش مردمک، با بازداشت مادران و خواهران دو زندانی سیاسی ایران، موج بازداشت ها به خانواده های زندانیان سیاسی کشیده شده است.

در آخرین مورد، روز ۱۷ مهرماه گذشته، مادر و خواهر حسام ترمسی که پس از گذراندن ۱۰ ماه در زندان اوین اخیراً آزاد شده بود، دستگیر شدند. به گفته آقای ترمسی، ماموران اتهام مادر او را «همکاری با سازمان مجاهدین خلق» و اتهام خواهرش را همکاری با مادر اعلام کردند.

● ژیلما مهدوی و دختر او برای فراهم آوردن مقدمات تحصیل دخترش عازم ترکیه بودند که در خانه خود دستگیر شدند. ماموران اوواک به خانم مهدوی گفته اند «شما می خواستید بروید ترکیه و از آنجا دخترتان را بفرستید آلمان تا برای مجاهدین خبر ببرد.»

● از سوی دیگر مادر و خواهر سعید زینالی، دانشجویی که از ۱۸ تیر سال ۷۸ مفقود شده نیز در همان شب ۱۷ مهرماه توسط ماموران امنیتی دستگیر شدند.

● در همین راستا چهار روز بعد، روزنامه دولتی ایران نوشت که چهار نفر از اعضای گروه مادران عزادار به اتهام «ارتباط با گروهک تروریستی و ضدانقلاب منافقین خارج نشین به سرکردگی زهرا رهنورد» دستگیر شده اند.

● دوم مهرماه، نیز، همسر و برادر همسر محمد مصطفایی، وکیل سکینه محمدی، زن زندانی محکوم به سنگسار بازداشت شدند.

پس از آن محمد مصطفایی به نروژ رفت و از این کشور تقاضای پناهندگی کرد. اوایل شهریورماه بود که همسر و دختر هفت ساله اش در نروژ به او پیوستند.

● در ۱۵ مهرماه ۸۹، احمد صدر حاج سیدجوادی، وزیر دادگستری دولت موقت و عضو شورای انقلاب، به طور آشکار از سوی اوواک تهدید شده است. اوواک تهدید کرده است در صورت تداوم انتشار نامه های اعتراضی از سوی این فعال سیاسی، اقدام به بازداشت و آزار جسمی و روانی خانواده وی خواهند کرد.

◀ در ۲۶ مهر ۸۹، شهزادنیوز گزارش کرده است: زهرا بهرامی، از بازداشت شدگان تظاهرات عاشورا، مجدداً به سلول انفرادی منتقل شده و تحت فشارهای شدید قرار گرفته است.

◀ در ۲۶ مهر ۸۹، جرس گزارش کرده است: مجید دری دانشجوی محروم از تحصیل، دیروز با دستبند و پابند به زندان بهبهان در استان خوزستان منتقل کردند. خانواده این عضو شورای دفاع از حق تحصیل پیش از این بارها از حکم زندان در تبعید وی اظهار نگرانی کرده بودند. این دانشجوی زندانی مجبور است پنج سال باقی مانده از حبسش را در زندانی دور از محل سکونت خانواده اش بگذراند.



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد دکتر مصدق»

دکتر مصدق در خاطراتش می نویسد: «ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ابتکار شادروان دکتر حسین فاطمی است که چون کمیسیون نفت مجلس شورای ملی پس از چند ماه مذاکره و مباحثه نتوانست راجع به استیفای حق ملت از شرکت نفت انگلیس و ایران تصمیمی اتخاذ کند، دکتر فاطمی با من و رئیس کمیسیون بودم مذاکره نمود و گفت با وضعی که در این مملکت وجود دارد استیفای حق ملت کاری است بسیار مشکل، خصوصاً که دولت انگلیس مالک اکثریت سهام شرکت است و بعنوان مالیات بر درآمد هم هر سال مبلغ مهمی از شرکت استفاده می کند و من باب مثال در سال ۱۹۴۸ از شصت و یک میلیون (میلیون) لیره عوائد خالص شرکت نفت، بدولت ایران که مالک معادن نفت است از بابت حق الامتیاز فقط نه میلیون (میلیون) لیره رسیده در صورتیکه دولت انگلیس بعنوان مالیات بر درآمد، بیست و هشت میلیون (میلیون) لیره استفاده کرده است. بنابراین اول باید در فکر آتیه بود که از مال ملت بیش از این سوء استفاده نکنند و عوائد نفت هر چه هست نصیب ملت ایران بشود. سپس راجع بگذشته هر اقدامی ممکن باشد نمود. همانطور که کشور انگلیس بعضی از صنایع خود را سراسر کشور ملی کرده است، نفت را باید ملی کرد تا دنیا بداند که نمایندگان جبهه ملی جز آسایش مردم چیزی نمی خواهند و با هیچ سیاستی سازش ندارند.» (۱)

● فاطمی بمناسبت بستن سفارت انگلستان در سرمقاله باختر امروز ۲۹ دی ماه ۱۳۳۰ نوشت: «... در ایران بودند و هنوز هستند کسانی که قیله گاهشان سفارت و کعبه سیاستشان «لندن» است و گمان دارند بدون میل و اراده مستر چرچیل هیچ جنبه ای در گوشه ای از دنیا نخواهد توانست به زندگی خود ادامه دهد.» بزرگترین حربه تبلیغی سیاست اجنبی اینست که عده ای ساده لوح و مقام پرست و منفعت جو را به عظمت سحرآفسون خود معتقد می کند و هرروز به نوعی دراطراف این قدرت نیروی موهوم، به افسانه سازی و تبلیغ می پردازد. مخصوصاً سیاست استعماری انگلستان در طی دو قرن اخیر درشرق بطور ماهرانه از این راه بهره برده که اغلب کشورهای مشرق زمین را بدون یک سرباز انگلیسی دوپست، سیصد سال زیر سیطره مستعمراتی کشیده است. در همین ایران جز در دو جنگ جهانی جهانگیر بین المللی، کسی روی سرباز انگلیسی را ندید، ولی آنچنان نوکران نشان بر اوضاع مسلط بودند و بطوری نفوذ مخفی جاسوسان و عوامل «اینتلجنس سرویس» تمام نقاط حساس و مناصب و مقامات مؤثرا در اختیار گرفتند که در مقابل غارت و هستی یک کشور اجازه داده نمیشد نفس از سینه کسی بیرون بیاید. صحنه ها ی گوناگون برای سرگرمی مردم آماده کرده و آنچنان تخم نفاق و تجزیه را در بین افراد ملت ما پاشیدند که جز عده ای معدود هیچکس حتی از رقم سالیانه عواید نفت جنوب کوچکترین اطلاع نداشت. رفتاری که مستعمره چی های لندن با جامعه ایرانی کرده اند به مراتب خشن تر و بیرحمانه تر و شقاوت آمیز تر از رویه ایست که در مستعمرات آفریقای سیاه پیروی نمودند. در میان قبائل وحشی اگر موجبات زندگی و شرایط اولیه حیات انسانها را آماده نکردند چندان دور از متد استعماری نیست، اما در ایران که

صاحب همه چیز بود و در یک زندگی بالنسبه راحت بسر می برد، انواع وسائل را برانگیختند که ملت ما نتواند با کاروان مدنیت جهان هم قدمی کند. و اقسام فشار و رشوه خواری و امراض اجتماعی در این سرزمین ترویج کرده و افسون وافیون را جز سیاست انگلستان که از تخدیر اعصاب میلیونها هموطن ما استفاده غارت سالیانه خود را می برد کسی دیگر به ایران نیاورده است. (۲)

● در سرمقاله «باختر امروز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲» این دربار شاهنشاهی روی دربار سیاه فاروقی را سفید کرده: «یکی نیست بیرسد دیگر شما و فامیل شما از یک مشت پابرهنه و لختی که بیست سال پدرت آنها را به نفت جنوب زیر نظر مستقیم خویش فروخت و برای چهل سال بعد از خود نیز قرار داد ۱۹۳۳ را باقی گذاشته چه می خواهید؟... ثروت یک مملکت را به غارت بردید، املاک و اموال و نوامیس مردم از دست این خانواده سی سال است در امان نبوده حالا مثل دزدها و بدکارها از تاریکی شب برای کودتا استفاده می کنید و برای استراحت به کلاردشت تشریف می برید.»

... پدیر شما (رضا خان) یکمرتبه بدستاری «ایروسانید» کلنل انگلیسی، به روی هموطنان خود شمشیر کشید و عاقبت در منتهای نکبت درگوشه «ژوهانسبورگ» چشم برهم گذاشت. او از این جنایت چه چیزی دید که امروز شما از روی نقشه فرستاده های سفارت انگلیس بغداد و ایادی جیره خوار اجنبی همان راه نکبت بار و ملعنت آمیز را از نومی پیمانید؟! (۳)

● در سرمقاله «باختر امروز ۲۶ مرداد ۱۳۳۲» «خانگی که می خواست وطن را به خاک و خون بکشد فرار کرد!» «تو نیز چون از بغض و نفرت مردم خیر داشتی و هم می دانستی که چقدر بیشرمانه فرمانبردار و آلت بی اراده اجنبی هستی، پس از آنکه دستور ارباب در برابر بیداری و مقاومت عمومی نقش بر آب شد به بیرون از مملکت فرار کردی. برو ای اسیر اراده اجنبی که تاریخ جنایت آمیز دودمان سی ساله پهلوی را تکمیل کردی، آن سفاکی و خونریزی و چپاول پدروخیلی از خصوصیات دیگر خاندان جلیل، این فصل شرم آور و این ورق سراپا ننگ آخر را نیز لازم داشت. از مولود کودتای ایروسانید جز اینکه در سوم شهریور فرار کرد و از مخلوق سوم شهریور نیز عزیز اینکه به نهضت ملی ایران خیانت نماید، هیچ انتظار دیگر کسی نیست. (۴)

دکتر فاطمی که با «برانکار» به دادگاه نظامی فرمایشی آورده شده بود، با شجاعت و شهامت ضمن دفاع از اهداف نهضت ملی ایران و افشای رژیم کودتای امریکایی - انگلیسی بر ضد حکومت ملی مصدق، «برای بیداری و روشنگری نسل های حال و آینده ایران که بدان علاقمندند (۵) در دفاعی خود می گوید: «... باید پرسید: ما به آسایش عامه چه صدمه ای وارد آوردیم؟، به جان چه کسی سوء قصد نموده ایم؟، مال چه کسی را به غارت برده ایم و به چه وسیله «آسایش عامه» را مختل ساخته ایم؟. از این بگذریم که به کیفر رسانیدن ما چه ارتباطی با تأمین تمامیت و استقلال کشور دارد؟ مگر آنکه از دلایل معروف دیوان بلخ» را در نظر بیاوریم و همینطور مطلب را دست بدست بگردانیم تا به «تمامیت و استقلال کشور» برسیم... روزی که من به قول خودتان وزیر بوده ام، شبانه سروپای برهنه دستگیر و مثل پست ترین بردگان و غلامان به گوشه ای افکنده شدم (اشاره فاطمی به کودتای ۲۵ مرداد است) بعد هم که باز به قول خودتان کاره ای نبوده ام و نیستم، درخوری که می شناسم! پس شما که تا این حد نیز حفظ ظاهر را مقتضی نمی دانید چرا دیگر یک سلسله تشریفات زائد را فراهم می سازید و زحمت بیهوده می کشید که صورت قانونی به کار بدهید؟. آهانیکه یک همچو صحنه

سازی ها را متحمل باشند، باطن و ظاهر کارشان کم و بیش متفاوت است. من که زیر سقف شهربانی از تماشاجی به قول شما و از چاقوکش های بنام، بنا بر آنچه که تمام یک پایتخت ناظر و شاهد بود، ضربات بی حساب دشنه خورده ام و از ادعا نامه ای هم که به دادگاه آمده، ده ها و صدها فحش دریافت داشته ام، آیا می توانم یک لحظه اشتباه کنم که باز قانون و رسیدگی در کار است؟. حالا اگر شما اصرار دارید که من خود را به بلاهت بزنم و سال نیکو را از بهارش شناسم حرفی ندارم که این نمایش کمدمی - تراژدی را تا آخرین پرده اجرا نمایم... (۶)

در دادگاه تجدید نظر، نیز که سری بود، حکم اعدام فاطمی تأیید شد. محمد رضا شاه، با تقاضای فرجام دکتر فاطمی موافقت نکرد. صبح روز ۱۹ آبان ۱۳۳۳ عده ای از افسران که در پیشانی آنها سرتیپ تیمور بختیار و سرتیپ آزموده قرار داشتند، بزندان دکتر فاطمی رفتند. آزموده به فاطمی گفت: «اعلیحضرت با تقاضای شما موافقت فرمودند. وصیتی دارید بفرمائید! شما که مکرر می فرمودید من از مرگ ابائی ندارم و مرگ حق است...»

دکتر فاطمی حرف آزموده را قطع کرد و گفت: «آری آقای آزموده، مرگ حق است و من از مرگ ابائی ندارم، آنهم چنین مرگ پر افتخاری. من می میرم تا نسل جوان ایران از این مرگ درس گرفته و با خون خود از وطش دفاع کند و نگذارد جاسوسان اجنبی بر این کشور حکومت نمایند. من درهای سفارت انگلیس را بستم، غافل از اینکه تا دربار هست، انگلستان سفارت لازم ندارد.» (۷)

«دکتر فاطمی آنچنان ابراز قدرت کرده بود که در لحظه ای که او را روی پرانکار گذاشته بودند تا داخل آمبولانس ببرند می گفت: «سربازها، نظامی ها توجه داشته باشید! ما در راه آزادی و اعتلای ایران جانمان را از دست می دهیم. این جان برای شما نیز ارزشمند است و شما هم کوشش کنید که زیرباز دیکتاتوری و خودسری نروید. اعضای خانواده پهلوی خانواده های هستند که تافته جدا بافته از ملت ایران هستند. این تافته در انگلستان بافته شده و اینها نان، آب و گوشتی که فراهم کرده اند همه نشانات گرفته از سرمایه داری انگلستان است. از اربابان جدا نیستند. اگر خواستید ایران به استقلال برسد، باید در ایران حکومت مردمی باشد.» (۸) پس او را با برانکار به میدان تبر بردند و حتی اجازه ندادند با خانواده خود و دکتر مصدق وداع کند. و در حالی که درجه تب ۴۰ را نشان می داد، تیرباران شد. (۹) سرنوشت دکتر فاطمی در همان روزهای نخست پس از کودتا، از طرف امریکا، انگلیس و شاه معین شده بود. زیرا:

۱- در گزارش ۲۱ اوت ۱۹۵۳ هندرسن، سفیر وقت امریکا در ایران به وزارت امور خارجه تاکید میکنند که: «عامل دیگر کم کم کننده به اضطراب و ناراحتی، آن است که خطرناکترین رهبران ملی هنوز آزادند. مصدق، فاطمی، شایگان، حسینی و دیگران. به آسانی ممکن است با رهبران حزب توده در صدد طرح توطئه باشند. این حقیقت که فاطمی هنوز زنده است، علی رغم شایعات روز ۱۹ اوت در باره مرگ وی، بویژه دلسرد کننده است، زیرا که وی خیله گرتین و بدون ملاحظه ترین فرد از اطرافیان مصدق محسوب می شود. این باور وجود داشت که وی با روحیه انتقام جویی تردید در کمک به پیوند اتحاد و همکاری میان ملیون و توده ای ها، علیه غرب را به خود راه نمی دهد.» (۱۰)

۲- کریمت روزولت، فرمانده عملیات، در اول شهریور پس از کودتا به ایران می رود و می گوید: «پس از برگزاری تشریفات، شاه به من اشاره کرد و اولین عبارتی که با لحن رسمی ادا کرد این بود: «من تخت را مدیون خدا و ملت و ارتش و شما هستم...» و «روزولت»

موضوع سرنوشت مصدق و دیگر رهبران جبهه ی ملی را عنوان میکند و از محمد رضا شاه می پرسد: «میل دارم بدانم در مورد مصدق، ریاحی و دیگران، که علیه شما توطئه کرده اند، چه فکری کرده اید؟» (۱۱)

شاه می گوید: «در این مورد زیاد فکر کرده ام. مصدق محاکمه می شود. در این موقع لبهای شاه می لرزید) و به سه سال محکوم خواهد گشت... ریاحی نیز مجازات مشابهی دارد. ولی یک استثنا وجود دارد و آن، حسین فاطمی است. او هنوز دستگیر نشده ولی به زودی او را پیدا می کنند. فاطمی، بیش از همه ناسزاگویی کرد. هم او بود که توده ایها را واداشت مجسمه های من و پدرم را سرنگون و خرد کنند. او، پس از دستگیری، اعدام خواهد شد.»

۳- دستور اعدام فاطمی، از لندن صادر شده بود. در سند FO/۳۷۱/۱۰۴۵۸۴ به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۳ سفارت بریتانیا در بیروت - که در آن زمان ستاد مشترک عملیات اینتلجنس سرویس بود - به وزارت امور خارجه انگلیس، چنین گفته شده است: «تا آنجا که از مطالب روزنامه ها استنباط کرده ام، اوضاع آن قدرها هم بد پیش نمی رود... مصدق مشکل ایجاد خواهد کرد، با توجه به اینکه در حمام خون کشته نشد، به نظرم، بهترین راه حل برای او تبعید است... اما در مورد فاطمی، اگر دستگیر شود بهترین راه حل اعدام است...» (۱۲)

● پیشگفتار

در این مجموعه که اختصاص به نفت و قرارداد داری داده شده است، چون مصدق مظهر آزادی، استقلال و احقاق حقوق ملی ایران است و مبارزات مستمر او و یارانش در نهضت ملی ایران ریشه در تاریخ گذشته و دیرپای ایران و برعلیه استبداد داخلی و سلطه خارجی دارد، بنابراین بطور چکیده و فشرده سیری از تاریخ نفت در ایران در این مجموعه آورده شده است زیرا برآنم که خوانندگان تصویری از گذشته تاریخ نفت داشته باشند و

«چکیده ای از مذاکرات تیمورتاش و مسئولین شرکت نفت در عرض سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ یعنی در عرض آن چهار سال پیش از لغو امتیاز داشت تنظیم شده از طرف وزارت خارجه انگلیس درباره مراحل مختلف مذاکرات نفت میان دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس از ژانویه ۱۹۲۹ تا دسامبر ۱۹۳۲ برای اطلاع وزیر خارجه متبوعش (سرجان سیمون) تنظیم کرده است» آورده شده است.

تیمورتاش که رضا خان می گفت «قول تیمور قول من است» در ۱۹۲۸ دولت ایران بمنظور تجدید نظر در امتیاز نفت داری با شرکت نفت ایران و انگلیس وارد مذاکره شد. و در دوران مذاکرات در تهران اوایل ژانویه ۱۹۲۹) با تمهید امتیاز نفت موافقت کرده و در گزارش آمده است «دولت ایران موافقت کرد که به جای امتیاز داری امتیاز جدید به شرکت نفت داده شود که مدت آن از تاریخ عقد قرارداد جدید) تابستان ۱۹۲۹) شصت سال باشد. یعنی از ۱۹۲۹ تا ۱۹۸۹ بدون شک تیمورتاش رضاشاه را در جریان مذاکرات قرار می داد و همچنین در این مذاکرات تیمورتاش به نمایندگی از طرف دولت ایران خواهان تأمین خواسته های زیر شد:

● کاهش منطقه تحت پوشش امتیاز به میزان ۵۰ تا ۶۰ درصد،

● الغای کلیه حقوق مربوط به انحصار حمل و نقل نفت توسط بریتانیا،

● واگذاری ۲۵٪ از سهام شرکت نفت به ایران،

● تضمین پرداخت حداقل ۱۲/۵ درصد سود سهام به ایران،

● معاف کردن ایران از پرداخت مالیات در لندن،

● پرداخت ۲ شلینگ بهره مالکانه برای هرتن نفت تولید شده.

تیمورتاش مورد غضب رضا شاه قرار گرفت و خیانت رضا خان در تمهید قرار داد داری و پیش از آن، صحنه سازی برای لغو امتیاز داری که تقی زاده گفته است: «رضا شاه با مرحوم فروغی خصوصی داشت که با هیچ یک از وزرا و رجال مملکت آن خصوصیت را نداشت. غالباً افکار و نیات نهایی خود را با آن مرحوم در میان می گذاشت. در قضیه لغو امتیاز داری هم پیش از آنکه پرونده نفت را توی بخاری بیندازد، فروغی را خواسته و محرمانه به او گفته بود: امروز می آیم به جلسه هیئت دولت و تشددی به تمام وزرا می کنیم. به خود تو هم بد خواهیم گفت ولی آن را به دل نگیر! این جریان را خودت محرمانه به تقی زاده هم بگو که او نیز پیشاپیش با خبر باشد. ولی غیر از شما دو نفر هیچ کس نباید از این نقشه من مطلع شود. بعد که فروغی مرخص می شود و می خواهد از اتاق بیرون بیاید دو باره از پشت سر صدایش می زند و می گوید: به تقی زاده هم نگو...» را در اختیار خوانندگان این مجله قرار میدهیم.

کدامن به وزارت خارجه انگلیس اوضاع روز تمهید قرارداد داری را گزارش می کند و نگاه رضا خان بیسواد و مستبد را نسبت به فروغی، تقی زاده و داور اینگونه بیان می کند: شاه در حالی که وزرای خود را مخاطب قرارداد داده بود گفت: آنها را پائین، روی زمین نشسته اند، و نمیتوانند دورتر از نوک بینی هایشان را ببینند، در حالی که من بر بالای برج قراردادم و قادرم دنیای بزرگی را که اطرافم را فرا گرفته، بخوبی مشاهده کنم.»

وقتی این کلمات بر زبان شاه قادر مطلق آنها جاری شد، وزرا فهمیدند اگر می خواهند سرشان بر نشان زیادی نکنند باید زبانهایشان را بکلی ببندند و اتخاذ هرگونه تصمیمی را به خود او واگذار نمایند. از آن پس شاه فقط به سخنان نمایندگان (APOC) گوش می کرد، و حتی بخود تا این حد هم زحمت نمی داد که عقیده وزرایش را بیورد. سرانجام آنکه، رضا شاه بقول سید حسن تقی زاده «واگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر قاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد» خود مستقیماً با «کدامن» وارد مذاکره شد و استراژی مکارانه کدامن، روش مستبدانه شاه و بزلی وزرای ایران، اساس روحیه حاکم برجسه ای را به وجود آورد که در آن تصمیمات مربوط به قرارداد سال ۱۹۳۳ اتخاذ شد. بالأخره، در ۲۶ آوریل ۱۹۳۳ قرارداد جدیدی را با شرکت به امضا رساند که طی آن امتیاز اکتشاف و تولید نفت در ایران برای مدت ۶۰ سال، یعنی تا سال ۱۹۹۳ به شرکت واگذار گردید. در مقایسه با امتیاز داری نکات برجسته قرارداد جدید که بر ملت تحمیل شده بود عبارت بودند از:

● واگذاری ۲۰٪ از سهام شرکت به ایران،

● پرداخت بهره مالکانه چهار شلینگ برای هر تن نفت تولید شده و تضمین آنکه مبلغ پرداختی از ۷۵۰ هزار پوند در سال کمتر نباشد،

● کاهش منطقه تحت پوشش قرارداد به صد هزار میل مربع.

● الغای کلیه حقوق مربوط به انحصار حمل و نقل نفت توسط بریتانیا،

● پرداخت یک میلیون لیره برای تصفیه کلیه ادعاهای مربوط به گذشته،

● پیوستن نماینده ایران به هیئت مدیره شرکت،



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد دکتر مصدق»

● آموزش پرسنل ایرانی بمنظور کاهش وابستگی شرکت به پرسنل خارجی، عرضه نفت ارزانتر به ایران.

● در دوره حکومت این دو خاندان قاجار و پهلوی، چهار امتیاز مهم نفتی به بیگانگان اعطاء شده است. که دولت فخریه انگلستان در غارت و تاراج منابع نفتی ایران و ... پیشتاز سایر سلطه گران خارجی و قدرتهای استعماری معاصر بودند.

۱- امتیاز نفت به «داری» انگلیسی، ۱۹۰۱ م.

۲- امتیاز نفت شمال به شرکت «استاندارد اویل» امریکائی، ۱۹۲۱ م، بعدها لغو شد.

۳- امتیاز نفت شمال به کمپانی «سینگر» امریکا، ۱۹۲۳ م، بعدها لغو شد.

۴- تجدیدنظر در قرارداد «داری» و اعطای امتیاز جدید نفت به انگلیسیها، ۱۹۳۳ م. در پی نهضت ملی شدن صنعت نفت لغو شد.

سرانجام در هنگام جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۲۰ ایران بدست متفقین اشغال نظامی شد و رضا شاه به جزیره یوئانسبورگ آفریقا ی جنوبی تبعید گردید.

مصدق، اولین انتقاد گر قرار داد منحوس ۱۳۱۲ داری در مجلس دوره چهاردهم تقنینیه بود که سخنان او در پایان این مجموعه خواهد آمد.

از این گذشته پیش از ملی شدن صنعت نفت ایران، دکتر مصدق در مجلس شورا ملی دوره ۱۶ باز به این قرار داد اشاره می کند و می گوید:

« بمحض اینکه جنگ بین الملل اول خاتمه یافت و ای رقابت دولت روسیه در ایران از بین رفت، دولت انگلیس قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ را منعقد نمود و برای اینکه تصویب آن در مجلس چهارم دچار اشکال نشود، در انتخابات آن دوره، غیر از انتخابات تهران که قبل از انعقاد قرارداد خاتمه یافته بود، اعمال نظر کرد. در دوره ۵ و ۶ باز نمایندگان تهران وارد مجلس شدند ولی از دوره هفتم بعد هیچ و کیلی بدون اجازه دولت بمجلس نرفت. از این مقدمه میجوایم این نتیجه را بگیرم که قرارداد ۱۹۳۳ در مجلس تصویب شده که وکلا نماینده حقیقی ملت نبوده و به علاوه نظر بوجود رژیم دیکتاتوری هیئت حاکمه، مجریان دستوری بیش نبوده اند و چنانچه منجمه مذاکرات مجلس راجع بجلسه هفتم بهمین ماه ۱۳۲۷ را که مربوط جواب آقای تقی زاده به آقای عباس اسکندری است قرائت کنند، بخوبی معلوم میشود که وزیر و وکیل، همگی مسلوب الاختیار و مطیع یک مرکز بوده اند. برای اینکه قسمت اصلی اظهارات آقای تقی زاده دایر بمسلوب الاختیار بودن آنها و وجود زور و فشار که دلیل کافی بر بطلان قرارداد ۱۹۳۳ است برای آقایان نمایندگان واضح و روشن شود، نکات اصلی تعلق شنبه هفتم بهمین ماه ایشان را که در مجلس پانزدهم ایراد شده است استخراج و در اینجا عینا نقل میکنم ... روز آخر کار، بنا گهان صحبت تمدید مدت را بمیان آوردند و اصرار ورزیدند ما چند نفر مسلوب الاختیار به آن راضی نبودیم و بی اندازه و فوق هر تصویری ملول شدیم .. لیکن هیچ چاره ای نبود ... ولی باید عرض کنم که مقصود از اینکه گفتم چاره نبود نبود بیم اشخاص نسبت ب خودشان نبود بلکه اندیشه آنها نسبت به مملکت و عواقب نزاع به آن کیفیت نیت بود. من هیچوقت راضی بتمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر در اینکار قصوری یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر قاعل

بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد. او خود هم راضی بتمدید مدت نبود و در بدو اظهار این مطلب از طرف حضرات روبروی آنها بتحاشی و وحشت گفت «عجب اینکار که بهیچوجه شدنی نیست. می خواهید که ما که ۳۰ سال برگزشتگان برای اینکار لعنت کرده ایم، پنجاه سال دیگر موردلعن مردم و آیندگان بشویم؟. ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد» (۱۳)

سیری در تاریخ پیدایش نفت در ایران

فرشید خدادادیان در کشف نفت و آتش در باستان روایت می کند: « یکی از مهمترین روایت های اساطیری ما مربوط به هوشنگ، اولین پادشاه سلسله پیشدادی است که مهم ترین کار او نیز همانا کشف آتش است. می دانیم که تاریخ اساطیری ایران با کیومرث آغاز می شود و هوشنگ پیشدادی فرزند سیامک و نوه کیومرث معرفی شده است که بنا به روایت های اسطوره ای، بر دیو سیاه (که پدرش سیامک را از بین برده) پیروزی می شود و با پیروزی وی بر دیو سیاه، کیومرث نیز پس از سی سال حکمرانی، قدرت را در اختیار هوشنگ قرار داده و سلسله پیشدادیان با وی آغاز می شود.

لقب هوشنگ در اوستا پر داده Paradata است. در خصوص این واژه در دانش نامه ایران باستان می خوانیم: پر داده / پیشداد. به معنای نخستین قانونگذار جزء نخست واژه پر: پیش / گذشته / مقدم و جزء دوم ذاته یا: قانون / داد. در وندیداد این کلمه به عنوان صف وقانون گزار کهن یا پیشین / کسی که از پی و قبل از دیگران قانون و داد آورده است و هوشنگ پیشداد به عنوان نخستین قانونگذار معرفی شده است. (وندیداد فرگرد ۲۰ بند ۲ - ۱) این کلمه به عنوان نام خاص عنوان سلسله ای از شاهان باستانی و دوران باستانی ایران است که پیشدادیان مشهور می باشند و در اوستا بخش یشت ها از کسان هم چون هوشنگ / جمشید / فریدون و ... با عنوان پیشدادی یاد شده است. (یشت ها ۲۱ / ۵ / ۳ / ۹ / ۲۶ / ۱۹ - مایهوفر شماره ۲۴۵) برای آگاهی از هر نام به مدخل واژه مراجعه شود.

هوشنگ را فرمانروای هفت کشور دانسته اند که دیوان و جادوگران از مقابل او می گریزند و دیوهای مز (مازن / مازندر) به دست او نابود می شوند و هم چنین کشف آتش را به او نسبت می دهند. چنان چه در شاهنامه می خوانیم:

یکی روز شاه جهان سوی کوه گذر کرد و با چند کس هم گروه پدید آمد از دور چیزی دراز سیه رنگ و تیره تن و نیز تاز دو چشم از بر سر چو دو چشم زود دهانش جهان تیره گون نگه کرد هوشنگ با هوش وسنگ گرفت یکی سنگ و شد نیز چنگ به زور کنای رها بند دست جهانسوز مار از جهان جوی جست بر آمد به سنگی گران سنگ خرد همان و همین سنگ بشکست گرد فروغی پدید آمد از هر دو سنگ دل سنگ گشت از فروغ آذرتنگ جهاندار پیش جهان آفرین نیایش همی کرد و خواند آفرین یکی جشن کرد آن شب و باده خورد سده نام آن جشن فرخنده کرد ز هوشنگ ماند این سده بادگار بسی باد چون او دگر شهریار

همانگونه که در ابیات فوق از شاهنامه می بینیم، هوشنگ روزی با تنی چند از ملازمان سوی کوه می رود. از دور ماری تیره تن و تیز تازی بیند که دود از دهانش بر می خیزد. هوشنگ با نیروی تمام، سنگی به سویش پرتاب می کند که به سنگی دیگر می خورد و بدین ترتیب فروغ آتش پدیدار می شود. پیش تر گفتیم که نمادها در روایات اساطیری بیانگر

معانی واقعی هستند. اسطوره کشف آتش، ماری سیاه و تیره که دود از دهانش خارج می شود را شاهد هستیم که هوشنگ سنگی به سوی آن مار پرتاب می کند و بر اثر جرقه ای که از برخورد آن سنگ با سنگ دیگر ایجاد می شود آتش به وجود می آید و در حقیقت کشف می شود. چنان چه این نمادها را با دیدیهات ذهنی خود تطبیق دهیم، می توانیم این احتمال را در نظر بگیریم که جرقه به وجود آمده در اثر برخورد سنگ ها به یکدیگر باید به وسیله مکمل دیگری که خیلی سریع به جرقه، عکس العمل نشان می داده شعله ور شده باشد و گرنه صرف جرقه به تنهایی نمی تواند شعله آتش را به وجود بیاورد. بهترین گزینه برای مکمل جرقه مورد نظر، همانا تصاعد گاز است. امری که شواهد فراوانی از دوران های مختلف در خصوص آن سراغ داریم. مناطق نفت خیز ایران و خصوصاً جنوب غرب ایران واجد چشمه های خود جوش نفت و تصاعد طبیعی گاز از خلل و فرج زمین بوده اند و از قدیمی ترین ایام باستان و خصوصاً در تمدن ایلام شواهد فراوانی از وجود غیر طبیعی و استفاده از آن در مهرساز در دست داریم.

چشمه های خود جوش نفت و گاز منبع لایزال آتشفکنده های جنوب غرب ایران بوده اند و رومن گیرشمن در تحقیقات خود در جنوب غرب ایران به آتشفکنده هایی اشاره می کند که سوخت آن ها گاز طبیعی بوده است.

بدین ترتیب می توان مارتیره تن و تیر تازی را که از دود دهانش جهان تیره و تار می شده جریان سیالی از نفت و گاز تصور نمود که هوشنگ با آن روبرو شده و سنگی به سوی آن پرتاب نموده در اثر برخورد سنگ با سنگی دیگر جرقه ای ایجاد شده و گاز موجود در فضای پیرامون شعله ور گردیده و بدین سان آتش فروزان شده است.

نحوه شکل گیری آتش با توصیفی که در اسطوره مذکور از مار تیره تن گردیده و مقایسه آن با جریان های طبیعی نفت و گازی که در برخی مناطق نفت خیز ایران وجود دارد، در ذهن پژوهشگر این مساله را تداعی می نماید که آن چه هوشنگ را در کشف آتش یاریگر بوده، همانا جریان طبیعی از نفت و گاز از دل زمین در منطقه ای کوهپایه ای بوده که به ماری سیاه و تیره تن تشبیه شده است! (۱۴)

«آتشفکنده آذر گشسب تا چند قرن بعد از اسلام هم روشن و برقرار بود و ابودلف مسعرابن المهمل جهانگرد که در اوایل قرن چهارم هجری از آن دیدن کرده چنین میگوید: "هفت صد سال است که این آتشفکنده روشن است لیکن اثری از خاکستر در آن مشهود نیست و شعله آن هرگز فرو نمی نشیند." در نقاط دیگری از ایران هم مانند فارس، خراسان و قم از این آتشفکنده ها وجود داشته است و ایرانیان معتقد بودند که این آتشفکنده ها با آتشفکنده آذر گشسب آذربایجان ارتباط دارند. محل این آتشفکنده که اکنون به نام "تخت سلیمان" معروف است در منطقه افشار آذربایجان در شمال شرق آبادی به نام تکاب واقع شده است و از شمال غرب به مراغه و ارومیه و از جنوب شرق به زنجان محدود است. سالها پیش گروهی از باستان شناسان در آنجا به حفاریات پرداخته اند. در زمان مغولان در محل آتشفکنده، مسجدی بنا شده و ظاهراً آتشفکنده از چندی پیش از آن تاریخ خاموش بوده است. آتشفکنده باکو، تا همین اواخر فروزان بوده است.»

● مصطفی فاتح می گوید هرودت در تاریخ خود راجع به نفت ایران چنین می نویسد: « در ۲۲ کیلومتری شوش محلی است که « اردیکا» نام دارد. در اینجا چاه هایی است که با چرخ و خبک از آن نفت و قیرومنک بیرون آورده در مخزن میریزند و پس از چندی قیرومنک ته نشین می شود و نفت بشکل مایع باقی می ماند.»

در جای دیگر ضمن داستان محاصره شهر آتش از طرف ایرانیان می نویسد: ایرانیان از روی تپه ها، قیرهای فروزان به سنگرهای یونانیان پرتاب می کردند و معلوم است که تپه ها آلوده به نفت بوده و گرنه هنگام پرتاب سریع خاموش می شده است.

پلوتارک در شرح حال اسکندر می نویسد: هنگامی که اسکندر از کنسور بابل می گذشت دریکی از شهرهای اکباتان، مردم برای خوش آمد اسکندر، نفت را روی جاده ها می ریختند و آتش می زدند تا شعله های فروزان آن موجب مسرت اسکندر گردد. ولی ظاهراً پلوتارک در تعیین اسم محل آتشفکنده کرده زیرا استان اکباتان جزء کنسور بابل نبوده و شاید مقصد پلوتارک ناحیه نفت خیز کرکوک و موصل بوده است.

در هر حال این مدارک تاریخی می رساند که در ایران و کشورهای مجاور آن نفت از دیرزمانی وجود داشته و مردم این ممالک به انواع مختلف، حتی برای جشن و آتش بازی از آن استفاده می کردند.

فردوسی در شاهنامه ضمن داستان بستن سد باجوج و ما جوج توسط اسکندر و چگونگی ساختمان آن از نفت نیز نام برده، چنین می گوید:

زهرکشوردان شی شد گروه دو دیوار کرد از دو پهلوی کوه زین تا سربخ بالای اوی چو صد آرش کردند بهنای اوی از او یک رش انگشت و آهن یکی پراکنده سخت در میان اندکی همی ریخت گوگردش اندر میان چنین باشد افسون و رای کبان همی ریخت هر گوهری یک رده چو از خاک تا تیغ گشت آرده بسی نفت و روغن بیامیختند همی بر سر گوهران ریختند و نیز در طریح از داستان رزم اسکندر با هندیها راجع به استعمال نفت چنین می گوید:

نشستند دانش پژوهان بهم یکی چاره جستند بریش و کم یکی انجمن کرد از آهنگران هر آنکس که بودند ازیشان سران ز رومی و مصری و از پارسی فزون بود مردان ز صد پارسی یکی بارگی ساختند آهنین سوارش ز آهن و ز آهنش زین بمیخ و به مس در زها دوختند سوارونش و باره افروختند بگردون همی راندند پیش شاه دروش بیاکنده نفت سیاه سکندر دیدن آن پسند آمدش خردمند را سودمند آمدش باسب و به نفت آتش اندر زدند همه هندیان دست بر سر زدند از آتش بر افروخت نفت سیاه بزنجبید از آن کاهن بد سپاه ز لشکر برآمد سر اسر خروش بزخم آوردند بیلان یجوش چو خرطوم هاشان بر آتش گرفت بماندند از پیل یانان شکفت همه لشکر هند گشتند باز همان زنده پیلان گردن فراز

مورخ دیگری بنام آمیانوس مارسلینوس همراه ژولین ۲ امپراتور روم بجنگ شاهپوردوم آمده چنین می نویسد: « ایرانیان برگهای گیاه مخصوص را در روغن خیس می کردند، سپس مایع دیگری بنام نفت بر آن میافروختند. آنگاه تیرهای جنگی خود را در آن گذارده، آتش میزدند و بطرف دشمن پرتاب می کردند و دقت می کردند کمان را آهسته رها کنند تا تیر سریع پرتاب نگردد و آتش آن خاموش نشود. این تیرها بهر جا میرسید ایجاد آتش سوزی می کرد و آتش آن با آن خاموش نمی شد و فقط با ریگ آن حریق را می خواباندند.»

دویست سال پس از آن ایرانیان هنگام دفاع قلعه پترا واقع در قفقاز با اسلحه های نفتی رومیان مهاجم را میزدند. پرو کموبیوس مورخ بیزانس در تاریخ آن جنگها چنین می نویسد: « ساحلوی ایرانی کوزه های بسیاری که از سوگرد و قیر انباشته شده بود آتش زدند و بطرف رومیان پرتاب کردند و

توانستند بدانوسیله حرقی را بیاندازند که تقریباً همه چیز را سوزاند.» در کتاب «پند نامه» آمده که از معتمد خلیفه عباسی در سال ۲۷۲ هجری مالیات چشمه های نفت و معدنهای نمک بادکوبه را به اهالی دربند قفقاز بخشید.

مسعودی خود در سال سیصد هجری به بادکوبه رفته و پس از دیدن معادن نفت آنجا چنین می نویسد:

«در آنجا چشمه های نفت سفید بود زیر دودکش ها و آتش جاودان» می سوخت و هیچگاه خاموش نمی شد.

در کتاب «حدود العالم» ذکر شده که کلیه نفت مصرف دیلمتان را از بادکوبه می آوردند.

یاقوت حموی در «معجم البلدان» خود راجع به نفت بادکوبه چنین می نویسد:

« بادکوبه در ایالت شیروان نزدیک دربند است. در این شهر چشمه بزرگی از نفت است که روزی هزار درهم نفت می دهد. کاران آن چشمه دیگری از نفت سفید است که مانند روغن زیتون می باشد و شب و روز جاری است و عایدی این چشمه هم مانند چشمه اولی می باشد. بازرگان موثقی بمن گفت که در آنجا از یک قطعه زمین شعله آتش جاودان بر می خیزد و هیچگاه خاموش نمی شود.»

ابن البلخی در فرارنامه می نویسد: « سینز شهرکی است بر کنار دریا و حصارکی دارد و این سینیز که همان بندر دلم کنونی است) میان مهروبان و جنابا است و جامه کتان بافند سخت تر و لطیف تر آنرا سینیز گویند. اما کاشتی نکنند و جز خرما نخیزد و روغن چراغ و هوا و آب آن نیکو است.»

مقصود او از روغن چراغ همان نفت است که شاید از ناحیه دشت قیری ادالکی بدست می آمده است. مارکوپولو جهانگرد مشهور می نویسد: در سرحد ارمنستان و گرجستان چشمه نفتی موجود است که مقادیر زیادی نفت از آن بدست می آید و در یکوقت صد کشتی می تواند از آن بارگیری کند. این روغن برای خوراک مناسب نیست ولی برای روشنایی مصرف می شود و شترهایی که مبتلا به امراض جدی هستند با نفت معالجه می شوند.»

سخن سرای بزرگ، سعدی در باب هفتم گلستان می گوید:

« هندوئی نطق اندازی کرد همی آموخت، حکیمی گفت ترا که خانه نبین است بازی نه این است.» بازی نفت اندازی که سعدی به آن اشاره کرده چنان بوده است که دو طرف چوبی را کهنه پیچیده در نفت فرو می کردند و آتش میزدند و می چرخاندند. حمدالله مستوفی قزوینی در نزهة القلوب می نویسد:

« مومیای معاندش بسیار است. آنچه در ایران است معدن بدیه آبی از توابع شبانکاره کوهی است که از او قطرات فرو می چکد و چون موم منجمد می گردد و آنرا موم آبی گفته اند. مومیائی اسم علم آن شد. معدن دیگر بدیه صاهک از توابع ارجان فارس معدنی است بحدود موصل. نطف معادن بسیار دارد و در ایران زمین بزرگترش معدن باکوبه است و آنجا زمین چاه ها حفر می کنند تا بزهاب میرسد. آبی که از چاه ها بر می آورند فقط بر سر آب می باشد. معدنی بحدود موصل، معدن بین بیات و بند بنجمن و معدن دیگر ولایت معدنی مابین بخارا و شروسنه معدن بکوه اسیر از توابع فرغانه.»

شاردن که در اواخر قرن هفده میلادی در ایران بوده چنین می نویسد: « نفت سیاه و سفید درمازندران یافت می شود و آنرا برای رفع سرماخوردگی و روشنایی و سوخت و رنگ کردن اشیاء و مخلوط کردن آن با رنگ های دیگر بکار می برند.»

بطوریکه در تواریخ مربوط ذکر شده نادر شاه برای ترسانیدن پیل های محمد شاه هندی و سپاهیان هند از آتش اندازی بوسیله نفت استفاده کرده است. (۱۵)

ادامه دارد...

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو و لطفاً کتبی و چک نبرستید، وجه اشتراک را نقد و پست سفارشی یا به حساب بانک واریز فرمایید.

توجه: درج مقالات، الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی و هجرت نیست و تنها عنوان بحث آزادی و صرفاً بیانگر نظرات نویسندگان و منابع مندرج بوده، این نشریه در قبال آنها هیچگونه مسئولیت محتوایی و حقوقی را ندارد. توجه: نویسندگان محترمی که مقالاتی را بخواهند در این نشریه چاپ شود، توجیهی فرمایند که چاپ مقالات آنها در صورتی خواهد بود که تا قبل از انتشار نشریه، در رسانه دیگری صورت الکترونیک و غیر آن نشر نیافته باشد یا با نشریه اشتراک نداشته باشد.

Nr.761 25 Oct - 7 Nov. 2010

شماره ۷۶۱ از ۳ - ۱۶ آبان ۱۳۸۹

خبرهای درخور توجه

خامنه ای به دستگاہهای اطلاعاتی دستور داده است کشف کنند چه کسی نخست از طرح محرمانه برای جانشین او کردن مجتبی خامنه ای، پرده برداشته است؟ این طرح می باید بعد از فراهم کردن اسباب لازم، علنی می شد. غافل از این که، پیش از کودتای خرداد ۸۸، در خارج از کشور، ماجرا افشا شد. در گزارش کودتای خرداد ۸۸ و هدفهای آن، بار دیگر، ربط تقلب بزرگ برای جانشین کردن مجتبی بجای پدرش علی خامنه ای، به اطلاع همگان رسید و مردم شعار «مجتبی بمیری رهبری را ببینی» را سر دادند. مردم قم از خامنه ای استقبال نکردند. چون گزارشها از قم بر بیت خامنه ای معلوم کرده بودند نمی توان مردم را به استقبال او آورد، زمان سفر را «دهه کرامت» (اول ماه، مصادف با تولد حضرت معصومه و آنگاه تولد امام رضا (ع)) قرار دادند. چرا که در این ۱۰ روز، بسیجی ها را از سراسر کشور به قم می برند. آنها و کسانی که به قم بردند، استقبال کنندگان از خامنه ای را تشکیل می داده اند. بنا بر اطلاع واصل، انفجار در پایگاه موشکی خرم آباد را کسانی از خود سپاه سازمان داده اند. شدت نگرانی رژیم و استتار فوق العاده ماجرا نیز بدین خاطر است. اطلاعات سپاه ۴ هتل جدید در دمشق خریداری کرده است. ۳ هتل قبلاً خریداری کرده بود. اینک ۷ هتل در اختیار دارد. این ۷ هتل،

ایجاد تعادل وحشت، بر ترورها و صفت وحشت اور بخشیدن به آنها بیفزاید.

بدین سان، قدرت تقدیر ساز و ترسان که تروریست خود را نماد آن می پندارد، خاصه ای دیگر از خاصه های تروریست و ترور است. هر تروری، بنفسه گزارشگر این خاصه است: ترور می باید قدرت تروریست را گزارش کند. این صفت، تشخیص ترور را از غیر ترور آسان می کند. ترور اجتماع کنندگان در سالن اجتماعات حزب جمهوری اسلامی و ترورهای سیاسی، همه گزارشگر قدرت تقدیر سازی هستند که از راه ترور، توان وحشت آفرین خویش را به نمایش می گذارند. و

۱۶ - گفتیم که هر سازمان تروریست کار را با مرام، آغاز می کند و سرانجام، ضد آن مرام راهبر پندار و گفتار و کردار آن می شود. چنانکه رژیم کنونی، مرای ضد اسلام بمنابه بیان آزادی یافته است که آقای خمینی در نوفل لوشاتو، در برابر جهانیان، اظهار کرد. در یک دوره، گفتند: آن اسلام، اسلام بنی صدر است و اسلام ما اسلام فیضیه است (سخن آقای هاشمی رفسنجانی بعد از کودتا) اما طولی نکشید که آقای خمینی دم از ولایت مطلقه فقیه و فوق قانون خواندن خود زد. خاصه هر رهبری سازمان تروریستی، فوق مرام خواندن خویش است. چون خود را فوق مرام و فوق اخلاق (بیانیه گروه رجوی، «سازمان انقلابی خود اوج اخلاق است») می انگارد، پس میزان پندار و گفتار او، دیگر حقوق نیستند. اما چون نیاز به مشروعیت دارد، نخست، مصلحت را فوق حق و حاکم بر حق می کند و بتدریج، مصلحت را یکسره جانشین حق می گرداند. اما مصلحت را قدرت می سنجد و نیازهای قدرت، روز به روز در تغییر هستند. پس مصلحت ها نیز تغییر می کنند تا اینکه سرانجام، مرام با قدرت تقدیر ساز، انطباق کامل بیاید. یعنی توجیه گر هر جنایت و خیانت و فساد بگردد. از این رو، شناسائی تحول آندیشه راهنمای سازمانهای تروریست، از لحاظ شناسائی مرحله که سازمان در آنست و چگونگی بی اثر کردنش، ضرورتی به تمام دارد.

با توجه به این خاصه ها، آسانتر در می یابیم که تروریسم شبکه ای در سطح جهان را تشکیل می دهد متشکل از دولتهای تروریست و سازمانهایی که یا از آغاز تروریست بوده اند و یا در این شبکه جذب و ادغام شده و نقش یافته اند. این شبکه نه با استقلال و آزادی انسان و نه با دیگر حقوق او و نه با استقلال و آزادی ملتها و حقوق ملی آنها و نه با دموکراسی سازگار می شود. بدین سان، تا وقتی امریکا یک دولت تروریست است و دولتهای تروریست

تروریسم و رابطه آن با مردم سالاری؟

بضرورت دستوری و نظام مند و سازمان یافته است و می توان سازمان دستور دهنده آن را یافت. هر تروری که انجام بگیرد و سازمان دستور دهنده آن یافت نشود، این واقعیت را باز می گوید که یا ترور درون سازمانی است و یا دستگاهی که وظیفه ردیابی را برعهده دارد، مصلحت خود را در یافتن دستور دهنده نمی بیند. چنانکه قتلهای سیاسی که شهیدان، فرهیختگان و مختاری و پوینده و شریف و... قربانیان آن شدند، دستوری بود اما به قول کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ششم، ردیابی را تا رأس هرم («رهبر») نمی توان پی گرفت. ۱۵ - ترور، دستوری است و مقام دستور دهنده، خود مدعی و خود قاضی است. محاکمه نیز غیابی انجام می گیرد و قربانی ترور، کمتر اطلاعی از محکوم شدن خود ندارد. خود «قدر قدرت» و میزان تمیز حق از ناحق انگاری، خاصه طرز فکر تروریست و نیز خاصه هر عمل تروریستی است. وقتی سخنگوی دستگاه قضائی می گوید: دو سازمان سیاسی (مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی) که هر دو در رژیم شکل گرفته اند، در دادگاهی که مجهول الهویه است محکوم به انحلال شده اند و حکم قابل تجدید نظر نیست و هیچیک از دو سازمان نیز از محاکمه و علت محکومیت خود آگاه نیستند، این سان محکوم کردن به انحلال، ماهیت تروریستی دستگاه قضائی رژیم است که آشکار می کند. تروریست خود را خدا نمی انگارد زیرا خداوند تا معاد مهلت می دهد و در آنجا محاکمه می کند. انسان را از همه حقوق ضرور برای زندگی و مجموعه ای از استعدادها برخوردار کرده است. این حقوق به استعدادهای او امکان می دهند حق را از ناحق تمیز دهد. پس هر انسان «بر نفس خویش عارف است» و خود داور اعمال خویش. این را نیز می داند که هر زوری که بکار برد، به خود او باز می گردد (مکافات عمل). تروریست، خود را قدرت تقدیر ساز می داند و در مقام قدرت تقدیر ساز، دست به ترور می زند. این خاصه، گویای این واقعیت است که ترور کننده از راه عجز و ناتوانی و بدین خاطر که در تنگنا و در موقعیت دفاع است، ترور نمی کند. بلکه از موضع قدرتی تقدیر ساز است که ترور می کند. ترسی که او را به ترور بر می انگیزد، ترس قدرت از انحلال است. این آن ترسی است که زمان به زمان بیشتر می شود و تروریست را ناگزیر می کند برای

روزنامه انقلاب اسلامی در مسیر تاریخ

نویسنده: محمد جعفری

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۹

... ما با موارد ذیل موافق نبودیم: --- ما از ابتدا با تدارک بازگشت به استبداد بعد از پیروزی انقلاب به زعم و فهم خود که همه اسناد آن موجود می باشد: * با دادگاه های انقلاب و اعدامهای برق آسا، * با هرج و مرج و مراکز تعدد قدرت * با شکنجه و زندان ها و انواع آن، * با سلب آزادیهای فردی و اجتماعی، * با خلق و تأسیس ارگانهای جدید الولاده بعنوان پایه های استبداد جدید و استقرار دیکتاتوری، * و در زمینه دخالتهای بی مورد آقای خمینی و دستگاه روحانیت * و با توجه نکردن به موقع، به خواسته های به حق ملت، چه از جانب روحانیت و چه از جانب دولت موقت، مخالفت می نمودیم..

اگر اینها موجب تضعیف دولت موقت و یا سقوط آن شده است حق با آنها است ... «از متن کتاب»

برای ایتباع و دریافت کتاب با آدرسهای زیر تماس حاصل فرمائید!

آدرس پستی:

Enghelabe Eslami Zeitung Postfach 11 11 18 D- 60046 Frankfurt/M Germany

آدرس پست الکترونیک: mbarzavand@yahoo.com

قیمت: ۱۵ یورو

بکار اطلاعات - ترور می آیند. انگوی رژیم واحدهای خود کفائی است که رژیم صدام هم در خارج از عراق ایجاد می کرد. با کلی های و هوی تبلیغاتی، اینک معلوم می شود احمدی نژاد نتوانسته است تمام برنامه خود را در جنوب لبنان انجام دهد. نقاط نزدیک تر به مرز، خطرناک توصیف شده و مشائی به جای او به این نقاط رفته است. در ۲۷ مهر ۸۹، به مردم سه استان گفته اند مبلغ ۸۱ هزار تومان به حساب آنها ریخته شده است اما فعلاً قابل برداشت نیست. معلوم نیست چه وقت قابل برداشت می شود. باز معلوم نیست آیا قیمتها «آزاد» می شوند بدون این که پول ریخته شده به حسابها قابل برداشت شده باشد؟ در این باره ها، از فرزین، رئیس دایره «هدفمند کردن یارانه» پرسیده اند و او گفته است هیچ نمی داند. آقای احمدی نژاد است که هر وقت لازم باشد، هر کار را که لازم باشد، دستور انجامش را می دهد؟ بنا بر گزارش اطلاعات سپاه به خامنه ای، در روز عاشورا، جنبش مردم ۵ منطقه شهر را یکسره از مهار قوای رژیم بیرون برده بوده است. در پی آن، چاره کار را کاستن از جمعیت شهر دانسته اند. زیرا هر گاه همه مردم تهران جنبش کنند، جنبش آنها غیر قابل مهار خواهد شد. حسین شریعتمداری گفته است: ما تا به حال تصور می کردیم رحیم مشائی هدف سوء دارد حالا متوجه می شویم که خود احمدی نژاد است که نظر سوء دارد. اقتصاددانان بانک مرکزی و وزارت نفت و وزارت نیرو به خامنه ای نوشته اند: هر گاه وضعیت اقتصادی همین بماند که هست، کشور دیگر اقتصادی نخواهد داشت. زیرا: هم اکنون کارخانه لاستیک سازی یزد تعطیل شده است به علت نبود مواد اولیه. مواد اولیه نیست چون کارخانه تولید کننده را به تولید بنزین واداشته اند. در صورت ادامه تحریمها و اجرای قانون یارانه ها، از ۷۰۰ تا ۷۰۰۰ کارخانه، بسته به شدت تأثیر عاملهای اقتصادی و اقدام بموقع یا عدم اقدام به موقع، تعطیل خواهند شد. روزانه ۸ میلیون دلار زیان رفتن شرکتهای نفتی از ایران و عدم تولید گاز در عسلویه، زیانی است که به ایران می خورد. این زیان سالانه ۳ میلیارد دلار می شود.

دیگر شبکه جهانی ترور را بوجود می آورد، تا زمانی که در منطقه، با دولتهای تروریست اسرائیل و ایران، در روابط قوا، در اشکال سازش و ستیز است، بدیهی است ادعایش در این باره که برای استقرار مردم سالاری به عراق و افغانستان قشون کشیده است، دروغ، و راست اینست که عامل گسترش تروریسم در منطقه است. آن مبارزه مسلحانه که می تواند ضرور شود و با استقلال و آزادی و حقوق سازگار شود، ویژگی های دیگری دارد. در نوبتی دیگر، به مطالعه آن مبارزه می پردازم. بر آن نیستیم که تمامی خاصه های تروریست و ترور را در این، جمع آورده و تشریح کرده ام. اما مطمئنم که تروریست و ترور این خاصه ها را دارد زیرا، چهار دهه از عمر را در تهدید به ترور شدن گذرانده ام و این خاصه ها را از رهگذر مطالعه عملکردهای سازمانهای تروریست، جسته ام.